



حیاتین

معیشة مؤمنانه

آشنایی با چهار مفهوم زهد، رفاہ، تجملگرایی و اشرافیگری
در کلام رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی)

سید علی خامنه‌ای

حیاتین

معیشة مؤمنانه

آشنایی با چهار مفهوم زهد، رفاه، تجملگرایی و اشرافیگری
در کلام رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی)



دفتر مطبوعه و نشر آراء حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای

سرشناسه: خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ -
عنوان و نام پدیدآور: معیشت مؤمنانه: آشنایی با چهار مفهوم زهد، رفاه، تجملگرایی و اشرافیگری در کلام
رهبر معظّم انقلاب اسلامی (مدّظله) / به کوشش ابوالقاسم کریمی.
مشخصات نشر: تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله
العظمی خامنه‌ای (مدّظله العالی)، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۱۷۶ ص.
قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال شابک: ۵-۳۱-۸۲۱۸-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
یادداشت: بالایی عنوان: حیات طیبه.
موضوع: خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸.. دیدگاه درباره شیوه زندگی
موضوع: خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸.. پیامها و سخنرانیها
موضوع: شیوه زندگی - جنبه‌های مذهبی - اسلام
شناسه افزوده: کریمی، ابوالقاسم، ۱۳۶۲ -، گردآورنده
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ م ۹۳ ش / ۱۶۹۲ DSR
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۴
شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۷۷۵۲۷



دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای

حیات‌طیبه

معیشت مؤمنانه

آشنایی با چهار مفهوم زهد، رفاه، تجملگرایی و اشرافیگری
در کلام رهبر معظّم انقلاب اسلامی (مدّظله العالی)

به کوشش: ابوالقاسم کریمی
ناشر: انتشارات انقلاب اسلامی
(وابسته به مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی)

شمارگان: ۲۰۰۰

چاپ اول: بهار ۱۳۹۶

ریال ۱۰۰۰۰۰

شابک: ۵-۳۱-۸۲۱۸-۶۰۰-۹۷۸

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه‌ی هلالی، شماره‌ی ۲۷
تلفن: ۶۶۹۷۷۲۶۸ - ۶۶۴۱۰۶۴۹ -- تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۹۵۵۹۳۷۳۲ - ۶۶۴۸۳۹۷۵
پست الکترونیکی: Info@Book-khamenei.ir - سامانه پیامکی: ۱۲۰ ۲۰ ۱۰۰۰ - <http://Book-Khamenei.ir>



پیشگفتار



هدف نهایی از خلقت انسان، رسیدن به قرب الهی است و راه رسیدن به این مقام، با گذر از امتحانات و آزمونهای گوناگون حاصل می‌شود. انبیای عظام و امامان والامقام (صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین) نیز به دنبال رساندن انسان به این سرمنزل بوده‌اند. اما اهتمام به آخرت و مقامات معنوی، باعث غفلت ایشان از زندگی دنیوی نشده است. انسان متکامل در بینش الهی، هم به آبادانی دنیا می‌پردازد و هم به آبادانی آخرت، و حاصل این دو، رسیدن به حیاتی است که در اصطلاح قرآنی از آن تعبیر به «حیات طیبه» شده است. حیات طیبه در سایه‌ی رشد اخلاقی فردی و پیشرفت معنوی، علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و دستیابی به عدالت اجتماعی به دست می‌آید.

مؤلفه‌های متعددی را میتوان برای دستیابی به این هدف و آرمان بلند برشمرد. رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) با احاطه‌ی بسیاری خوبی که بر راهکارهای رسیدن به حیات طیبه دارند بسیاری از این مؤلفه‌ها را در بیانات خود به صورت شیوا و رسایی بیان فرموده‌اند. بر این اساس انتشارات انقلاب اسلامی، با هدف معرفی این مؤلفه‌ها با پژوهش در بیانات معظم‌له و به تدریج، کتابهای موضوعی با این عنوان را تقدیم علاقمندان به بیانات ایشان خواهد کرد.

کتاب حاضر یکی از مجلداتی است که با این انگیزه تهیه شده است. امیدواریم با استفاده از رهنمودهای ایشان، جامعه‌ی اسلامی به آرمان حیات طیبه دست یابد. ان شاء الله.

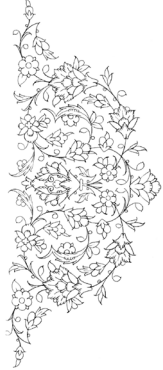
و من الله التوفیق





فهرست مطالب

- فصل اول: زهد..... ۱
- الف) تبیین زهد و بیان ضرورت ۳
- زهد یعنی دل نباختن به دنیا..... ۳
- زهد یعنی بی‌رغبتی و نجس‌بیدن به دنیا..... ۴
- بی‌رغبتی به دنیا و تولید ثروت در کنار هم..... ۵
- ضرورت فراخوانی جامعه‌ی امروز به زهد..... ۷
- زهد امیرالمؤمنین(علیه‌السلام)؛ نیاز امروز جامعه..... ۷
- لزوم جهتگیری زندگی به سوی زهد..... ۸
- لزوم ترویج سخت گرفتن به خود و انفاق به دیگران..... ۹
- ب) راهکارها و الگوها..... ۹
- تقوا؛ علاج دل‌نیستن به دنیا..... ۹
- فتنه‌انگیزی علاقه‌ی به مال..... ۱۰
- حمله‌ی به زهد؛ یکی از اهداف دشمن در تهاجم فرهنگی..... ۱۰
- ساده‌زیستی مسئولین؛ راه مبارزه با اسراف..... ۱۰
- زهد در دنیا؛ زینت علی‌بن‌ابی‌طالب(علیه‌السلام)..... ۱۱
- زهد امیرالمؤمنین(علیه‌السلام)؛ یک قلّه‌ی دست‌نیافتنی..... ۱۲
- مدیریت زاهدانه‌ی امیرالمؤمنین(علیه‌السلام)؛ الگوی مدیریت‌ی اسلام..... ۱۳
- اعتراف دشمنان امام(ره) به زهد و پارسایی ایشان..... ۱۴
- لزوم ساده‌زیستی برای ائمه‌ی جمعه..... ۱۴
- ضرورت الگو بودن مسئولان در زهد و بی‌رغبتی به دنیا..... ۱۵



- الگو بودن مجلس برای مردم و نهادها..... ۱۶
- ج) زهد در عرصه‌ی حکومت و سیاست ۱۷
- (۱) تبیین و بایسته‌ها ۱۷
- زهد مسئولان یعنی عدم بهره‌مندی در زندگی شخصی ۱۷
- بساطت و سادگی در کارها؛ زینده‌ی نظام اسلامی ۱۸
- ساده‌زیستی؛ از مصادیق سیاست‌گذاری از مردم..... ۱۹
- ضرورت حفظ حالت زهد در مجلس شورای اسلامی..... ۱۹
- ضرورت امساک مسئولان از تجملات زندگی..... ۲۰
- از بین رفتن روحیه‌ی اشرافیگری دوران طاغوت به برکت انقلاب اسلامی ۲۰
- از برکات نظام اسلامی؛ مردمی بودن مسئولان ۲۱
- یکی از کارهای امام(ره)؛ باطل کردن باورهای غلط در باب اخلاق فردی حکام ۲۲
- تغییر رویکرد تجمل به زهد در انقلاب اسلامی ۲۲
- شاخصه‌ی مدیران اسلامی؛ تلاش و فعالیت و دل نیستن به دنیا..... ۲۲
- ۲) راهکارها و آثار..... ۲۳
- لزوم قرار گرفتن زندگی مردم معمولی به‌عنوان معیار زندگی مسئولان ۲۳
- سمت و منصب؛ یک وظیفه نه طعمه ۲۵
- لزوم الگو گرفتن مسئولان از زهد امیرالمؤمنین(علیه‌السلام)..... ۲۷
- پیگیری شعار ساده‌زیستی بعد از انقلاب ۲۸
- تعلقات دنیا؛ دامی خطرناک برای مسئولان ۲۸
- زهد اولیای الهی؛ از عوامل ترویج اسلام ۲۹
- حفظ پارسایی مسئولان؛ عامل شکست دشمن ۳۱
- تکذیب تبلیغات دروغ دشمن با ساده‌زیستی مسئولان ۳۱
- اهتمام مسئولان به رفاه شخصی؛ از مصادیق بی‌تقوایی ۳۲
- ساده‌زیستی؛ شرط لازم برای حفظ پیوند حقیقی یک مسئول با مردم ۳۲
- ساده‌زیستی؛ از عوامل گرایش مردم به مسئولان ۳۲
- آسیب‌ناپذیری نظام اسلامی در گرو رواج زهد در بین مسئولان ۳۳
- فصل دوم: رفاه..... ۳۵**
- الف) تبیین و بیان اهمیّت ۳۷
- ضرورت برخورداری مردم از حداقل رفاه..... ۳۷



فریاد بر سر تارک دنیا..... ۳۷

تفاوت رفاه مادی و مصرف‌گرایی ۳۸

رفاه در زندگی؛ راهبرد اقتصادی اسلام ۳۸

رفاه مادی از برکات عمل به قرآن کریم ۳۹

اهتمام ادیان الهی به ایجاد رفاه ۳۹

رفاه عمومی؛ از اهداف انقلاب اسلامی..... ۳۹

رفاه مادی توأم با سازندگی معنوی..... ۳۹

کار دشمن؛ القای تفکر جدایی رفاه و معنویت ۴۱

ضرورت جهتگیری رفاه به سمت اقشار محروم ۴۲

فرق نظام اسلامی و نظام سرمایه‌داری ۴۳

پایبندی به اصول انقلاب یعنی تلاش برای رفاه مستضعفان..... ۴۳

اهداف معنوی همراه با توسعه‌ی عدالت یعنی الگوی یک کشور اسلامی ۴۴

ناتوانی تمدن غربی از ایجاد رفاه عمومی ۴۴

(ب) راهکارها و آثار ۴۵

اقتصاد مقاومتی راه اصلاح معیشت مردم..... ۴۵

رفاه اقتصادی ملازم با استقلال سیاسی و عدالت اجتماعی..... ۴۵

سیاست‌های اصل ۴۴؛ گامی در جهت رفاه عمومی ۴۷

خواست اکثریت مردم؛ رفاه در چهارچوب مقررات اسلام ۴۷

رفاه اقشار محروم؛ دغدغه‌ی انسان مؤمن و حکومت اسلامی..... ۴۷

ایجاد رفاه برای تأمین کرامت انسانی مردم..... ۴۸

ضرورت تأمین رفاه اقشار محروم همراه با خوداتکایی آنها ۴۹

لزوم بکارگیری نهایت تلاش از سوی مسئولان برای ایجاد رفاه عمومی ۵۰

تأمین رفاه در جامعه در پرتو تعالیم اسلامی..... ۵۰

ایجاد رفاه در جامعه؛ زمینه‌ساز صدور فکر انقلاب..... ۵۰

فصل سوم: تجمل‌گرایی و مصرف‌زدگی..... ۵۳

(الف) تبیین و بیان ضرورت اجتناب..... ۵۵

مصرف‌گرایی یعنی صرف درآمد در امور غیرضروری ۵۵

دستور اسلام؛ تولید ثروت و جلوگیری از مصرف‌گرایی..... ۵۵



- دوری مسئولان از تجمل؛ از جمله ارزشهای انقلاب ۵۶
- خطری بزرگ برای مسئولان ۵۶
- بی‌اعتنایی به تجملات؛ توصیه به نمایندگان مجلس ۵۷
- جرم و خطا بودن تغییر دکور اتاق مسئولین ۵۷
- مغزهای سطحی‌نگر؛ تمجیدکننده‌ی تجمل‌گرایی ۵۸
- آمارهای تکان‌دهنده‌ی اسراف در کشور ۵۹
- مصرف‌گرایی؛ از جمله مناسبات اقتصادی غلط ۶۰
- دشمن در انتظار ورود تجمل‌گرایی در زندگی عناصر انقلابی ۶۱
- ضرورت پرهیز از سوق دادن مردم به سمت مصرف‌گرایی ۶۱
- ضرورت رعایت انضباط اقتصادی و مالی ۶۲
- مخالفت با رواج افراطی تجمل‌گرایی ۶۳
- بی‌اعتنایی به تجملات؛ شاخصه‌ی زن مسلمان ۶۴
- (ب) عوامل ایجاد روحیه‌ی تجمل‌گرایی ۶۴
- مصرف‌گرایی؛ از جمله میراث‌های گذشته ۶۴
- ترویج تجمل‌گرایی از اهداف دشمن از تهاجم فرهنگی ۶۴
- تشدید مصرف‌گرایی با ورود فرهنگ غرب ۶۵
- تجمل در جامعه؛ انعکاس تجمل در زندگی مسئولان ۶۶
- ضرر نیازدگی مسئولان ۶۷
- سازندگی؛ توجیهی برای دنیاپرستی ۶۷
- خطر گرایش به تجمل؛ در دوران بازسازی ۶۸
- یکی از ضعف‌های جامعه؛ حرص به متاع دنیا ۶۸
- تبلیغ مصرف‌گرایی؛ از جمله تبلیغات ننگین رسانه‌ها در رژیم گذشته ۶۹
- مُدگرایی؛ از بزرگ‌ترین عوامل انحراف جامعه و زنان ۶۹
- بزرگ‌ترین ستم در حق زنان ۶۹
- انحطاط زنان با گرفتار شدن به مدپرستی ۷۰
- خطر گرایش به تجمل در میان زنان ۷۱
- (ج) پیامدها ۷۱
- لزوم تبیین ضررهای مصرف‌گرایی برای مردم ۷۱
- ارزشهای اسلامی؛ تحت‌الشعاع تجملات ۷۱



- ۷۲..... مصرف‌گرایی؛ مضر به فضای معنوی.....
- ۷۳..... ضرر رواج فرهنگ تجمل‌گرایی برای بدنه‌ی جوان کشور.....
- ۷۳..... ناسازگاری روحیه‌ی همدلی با روحیه‌ی تجمل‌گرایی.....
- ۷۴..... تجمل‌گرایی مسئولان؛ از علل حل نشدن بخشی از مشکلات.....
- ۷۴..... مصرف‌گرایی؛ مانع از صرف پول در راه رضای خدا.....
- ۷۴..... تجملات؛ عامل هدر رفتن بیت‌المال.....
- ۷۵..... نقش اسراف در آسیب‌پذیر شدن کشور.....
- ۷۶..... به مذبح بردن صاحبان فضائل؛ با ترویج تجملات.....
- ۷۷..... رفتن به سوی تجملات؛ مانع از انقلابی ماندن.....
- ۷۷..... تزلزل عزم سپاهیان با رفاه‌زدگی.....
- ۷۸..... تجمل‌پرستی؛ سبب ایجاد یک طبقه‌ی اشراف.....
- ۷۸..... وابستگی کشور با کالاهای تجملاتی.....
- ۷۸..... اسراف؛ تکمیل‌کننده‌ی ضربه‌ی اقتصادی دشمن.....
- ۷۹..... لطمه‌های رویکرد مصرف‌ بیشتر از تولید.....
- ۷۹..... آثار سوء روانی، اخلاقی و اجتماعی مصرف‌گرایی.....
- ۸۰..... ورود به مسابقه‌ی تجملات از آفات زندگی مؤمنانه.....
- ۸۱..... اهتمام زن به تجملات؛ مانع از انجام وظیفه.....
- ۸۱..... تجمل‌طلبی؛ مانع ازدواج.....
- ۸۲..... راهکارهای مقابله با تجمل‌گرایی.....
- ۸۲..... ضرورت استفاده از همه‌ی ظرفیتهای برای مقابله با تجمل‌گرایی.....
- ۸۲..... ضرورت اصلاح الگوی مصرف در جامعه.....
- ۸۳..... قراردادن ثروت در مسیر تولید، یعنی اصلاح الگوی مصرف.....
- ۸۳..... جهت‌دهی درآمدهای کشور به سوی تولید؛ نه اسراف.....
- ۸۳..... صرفه‌جویی یعنی درست مصرف کردن.....
- ۸۴..... نقش الگویی مسئولان در از بین بردن مصرف‌زدگی.....
- ۸۶..... ساده‌زیستی مسئولان؛ از عوامل ریشه‌کنی تجمل‌گرایی.....
- ۸۶..... وظیفه‌ی مسئولان؛ برخورد با اسراف در سطح ملی.....
- ۸۷..... ضرورت برنامه‌ریزی برای مبارزه با اسراف.....
- ۸۸..... جهت‌دهی فعالیت‌های اجرایی و تبلیغی برای جلوگیری از اسراف.....



- ۸۸..... مراقبت دائمی مسئولان از نفوذ تجمل در دستگاه‌های تحت مدیریت
- ۸۹..... لزوم جهت‌دهی مدرگرایی غیر افراطی
- ۸۹..... لزوم بازگرداندن اسرافهای در زندگی شخصی به سمت تولید
- ۹۰..... روی آوردن به انفاق؛ علاج تجمل‌گرایی
- ۹۱..... انفاق؛ راهکاری در برابر جمع ثروت و تجمل‌گرایی
- ۹۲..... وظیفه‌ی دانشجویان در پژوهش درباره‌ی راهکارهای مبارزه با مصرف‌گرایی
- ۹۲..... درمان اسراف و مصرف‌گرایی؛ راه مبارزه با تهدیدهای اقتصادی
- ۹۳..... لزوم پرهیز از غبطه خوردن به تجملات دیگران
- ۹۴..... ضرورت مراقبت از بنیهِ معنوی در برابر تجملات دنیا
- ۹۴..... ضرورت پرهیز صدواسیما از سوق دادن مردم به مصرف‌گرایی
- ۹۵..... مقابله‌ی فاطمه‌ی زهرا(سلام‌الله‌علیها) با ورود تجملات به زندگی
- ۹۵..... ضرورت الگو بودن همسران مسئولان در پرهیز از اسراف
- ۹۶..... معرفت زن؛ عامل دوری خانواده از تجمل
- ۹۷..... بریدن دامه‌های مصرف‌زدگی
- ۹۷..... مراقبت بانوان اندیشمند از رواج تجمل‌گرایی
- ۹۷..... ضرورت دور نگه داشتن عرصه‌ی ازدواج از تجمل و تفاخر
- ۹۸..... رفتار غلط اندر غلط ورود تجملات به عرصه‌ی ازدواج
- ۱۰۰..... ناسازگاری مهریه‌های سنگین با ادعای پیروی از پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله)

فصل چهارم: اشرافیگری..... ۱۰۱

- ۱۰۳..... الف) تبیین و ضرورت اجتناب
- ۱۰۳..... ارزش جوانان انقلابی نسبت به جوان دنبال اشرافیگری و شهوت‌رانی
- ۱۰۳..... دوری مسئولان از خوی اشرافیگری از لوازم جمهوریت نظام
- ۱۰۴..... هشدار امام (ره) به مسئولان درباره‌ی خوی کاخ‌نشینی
- ۱۰۵..... اشرافی نبودن مسئولان؛ از اصول سیاست امام (ره)
- ۱۰۵..... اصرار امام(ره) به مسئولان نسبت به پرهیز از اشرافیگری
- ۱۰۶..... پیشرفت بسیار برجسته در عرصه‌ی عدالت اجتماعی
- ۱۰۶..... لزوم حفظ خوی مردمی بودن در میان مسئولان
- ۱۰۷..... توقع از مسئولان؛ حفظ زی مردمی
- ۱۰۷..... جذابیّت شعار اجتناب از اشرافیگری برای مردم



۱۰۷..... لزوم نهادینه‌سازی ساده‌زیستی در نظام اداری

۱۰۸..... دنبال اشرافیگری نبودن؛ از شاخصه‌های اصلح

۱۰۸..... صالح بودن مسئولان یعنی دنبال اشرافیگری نبودن

۱۰۹..... ضرورت اجتناب مسئولان از بیماری رفاه‌زدگی و عشرت‌طلبی

۱۰۹..... ضرورت تناسب رفتار کارگزاران با اهداف انقلاب و نظام اسلامی

۱۱۰..... زندگی اشرافی مسئولان در رژیم‌های کمونیستی

۱۱۰..... ادعای عدالت در کشورهای کمونیستی با وجود اشرافیگری مسئولان

۱۱۱..... (ب) زیانه‌های اشرافیگری

۱۱۱..... زیانه‌های اشرافیگری مسئولان در عصر پهلوی

۱۱۱..... آسیب‌های ناشی از مستی اشرافیگری

۱۱۳..... اشرافیگری مسئولان؛ عامل زوال اعتماد مردم

۱۱۵..... مشی اشراف‌گرایانه؛ نقطه‌ی ضعف مسئولان

۱۱۵..... نترسیدن استکبار از اسلام غرق در اشرافیگری

۱۱۵..... دو عیب اشرافیگری مسئولان

۱۱۷..... اشرافیگری؛ یکی از دردهای مزمن جهان اسلام

۱۱۷..... اشرافیگری؛ عامل دورشدن از ذکر خدا

۱۱۷..... اخلاق انسان متأثر از خوی اشرافیگری

۱۱۸..... زمینگیر شدن انسان با میل به تجمل‌طلبی

۱۱۹..... بی‌انتهای بودن راه دل‌بستن به تشریفات

۱۱۹..... خطر ایجاد طبقه‌ی اشرافی در جامعه‌ی اسلامی

۱۲۰..... تأثیرات بالای اشرافیگری بر بدنه‌ی جامعه

۱۲۰..... (ج) عوامل ترویج اشرافیگری

۱۲۰..... زندگی اشرافی مسئولان مروج فرهنگ اشرافیگری

۱۲۱..... لزوم پرهیز از الگوسازی زندگی‌های اشرافی

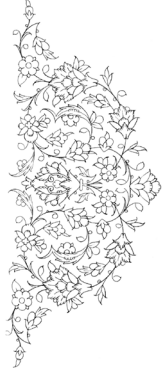
۱۲۱..... تأثیرپذیری جامعه و مردم از مانور اشرافیگری مسئولان

۱۲۳..... توسعه؛ جایگزینی دروغین برای اشرافیگری

۱۲۳..... عدم تلازم بین آراستگی و اشرافیگری

۱۲۳..... پرهیز از بهانه‌ی قرار دادن مسائل امنیتی برای تشریفات

۱۲۵..... (د) فواید مقابله با اشرافیگری



پرهیز مسئولان از اشرافیگری؛ زمینه‌ساز پیشرفت کشور ۱۲۵

ساده‌زیستی؛ از شروط تحقق عدالت ۱۲۶

ساده‌زیستی مسئولان؛ موجب جلب اعتماد مردم ۱۲۶

ساده‌زیستی مسئولان؛ از اسباب جلب رضایت خداوند و مردم ۱۲۷

از شاخصه‌های دولت اسلامی؛ بی‌میلی به اشرافیگری ۱۲۷

دوری از اشرافیگری؛ از صفات مسئولان در نظام اسلامی ۱۲۷

دوری از اشرافیگری؛ نشانه‌ی مردمی بودن یک نماینده ۱۲۸

هـ) راهکارهای مقابله با اشرافیگری ۱۲۹

صفای معنوی مسئولان؛ مانع گرایش به اشرافیگری ۱۲۹

لزوم پرهیز از داشتن نگاه طعمه‌ای به مسئولیت برای رسیدن به ثروت و ۱۲۹

ضرورت پرهیز منصوبان رهبری از اشرافیگری ۱۳۱

ضرورت پرسشگری جوان از مسئولان مظنون به اشرافیگری ۱۳۱

مبارزه با اشرافیگری با فرهنگ‌سازی ۱۳۳

آموزش دور شدن از زندگی اشرافی از کودکی و نوجوانی ۱۳۳

ضرورت ریل‌گذاری مجلس به سمت عدالت اجتماعی و مبارزه با اشرافیگری ۱۳۳

اصلاح اشرافیگری با ترویج فکر و تبلیغ ۱۳۳

وظیفه‌ی جنبش دانشجویی در ضدّ ارزش ماندن اشرافیگری ۱۳۳

ضرورت استمرار و فراگیر شدن مبارزه‌ی با اشرافیگری ۱۳۴

ضرورت باقی ماندن قبح اشرافیگری در بین مسئولان ۱۳۵

..... آیات ۱۳۷

..... روایات ۱۳۸

..... موضوعات ۱۴۰

..... اشخاص، اماکن، دولتها و غیره ۱۵۲

..... منابع و مأخذ ۱۵۵



مقدمه



دستیابی به خوشبختی یکی از آرزوهای فطری تمام انسانها است. اما تعریف خوشبختی و سعادت از اموری است که مورد اختلاف واقع شده و از گذشته تا کنون از دلمشغولی‌های فلاسفه و حکما بوده است. اسلام ناب محمدی با نگاه جامع به انسان، خوشبختی حقیقی انسان را در گرو قرب به خداوند و آراسته شدن به صفات و فضایل انسانی دانسته است. البته مکتب اسلام آرامش و سعادت را فقط در عرصه‌ی آخرت تعریف نکرده است بلکه با تمثیل دنیا به مزرعه‌ی آخرت^۱، همواره به پیروان خود گوشزد میکند که راه وصول به کمال حقیقی از همین دنیا میگذرد. اسلام به این هم بسنده نکرده بلکه وظیفه‌ی آبادانی دنیا را نیز بر دوش انسانها نهاده است.^۲

از دورانهای کهن، انسانها در تعامل با دنیا، افراط و تفریط را سرلوحه‌ی خود قرار داده‌اند. بیشتر انسانها علاقمند به گردآوری مال و ثروت بوده‌اند و عده‌ای نیز با رویگردانی افراطی از دنیا، به گوشه‌ی عزلت خزیده‌اند و چشم بر همه‌ی لذات آن بسته و دست از کار و تلاش کشیده‌اند.

اما اسلام با نگاه مبتنی بر فطرت انسان، مسلمانان را از افراطها و تفریطها

۱. عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۲۶۷.

۲. سوره‌ی هود، آیه‌ی ۶۱.

بر حذر داشته است. از یک طرف در عرصه‌ی زندگی فردی، تک‌تک افراد جامعه را مکلف به کار و تلاش می‌نماید و آنها را از تبلی بازمی‌دارد، از سویی دیگر مسئولان حکومت اسلامی را به تأمین رفاه عمومی تشویق می‌کند، انسانها را به دوری از اسراف و مصرف‌زدگی می‌خواند، در عین حال می‌پسندد که مسلمان اهل نظافت و هم در میان خانواده و هم در جامعه آراسته باشد، از جانبی دیگر زهد و دل‌بریدن از تعلقات دنیوی را نیکو می‌شمرد، و حاکمان را امر می‌کند که زندگی خود را در سطح متوسط جامعه قرار دهند.

در طول تاریخ اسلام هر زمان که حاکمان، عالمان دین و عموم مردم به این نسخه‌ی نورانی و کامل اسلام عمل کرده‌اند، ثمرات آن را هم در حیات معنوی و هم در حیات مادی و هم در زندگی فردی و هم در زندگی اجتماعی دیده‌اند و هرگاه از این دستور فاصله گرفته‌اند، حیات مادی، معنوی، فردی و اجتماعی آنها دستخوش انحطاط شده است.

در ایران نیز در دوران ننگین سلسله‌های منحوس پادشاهی، رهنمودهای اسلام به فراموشی سپرده شد. از همه مصیبت‌بارتر دوران حکومت پدر و پسر ملعون پهلوی بود. از یک سو پادشاه و درباریان و مسئولان حکومتی به ساخت یک طبقه‌ی اشراف پرداختند و با سوءاستفاده از موقعیتهای خود و با ویژه‌خواری‌ها بر ثروتهایشان انباشتند و از سویی دیگر با ترویج زندگی تجمل‌گرایانه و مصرف‌زده در میان طبقه‌ی بالا و متوسط جامعه، این بیماری را در اقصی نقاط کشور منتشر کردند. شکاف طبقاتی غوغا میکرد، درحالی‌که عده‌ی زیادی از حدّ اقل امکانات زندگی محروم بودند، کسانی دیگر یافت می‌شدند که نمی‌دانستند چگونه باید اموال بادآورده‌ی خود را مصرف کنند.

با پیروزی انقلاب اسلامی ورق برگشت و بار دیگر پس از صدها سال، نسخه‌ی اسلام سرلوحه‌ی رفتار حاکمان و مردم قرار گرفت. در رأس حکومت فقیهی عارف و زاهد قرار گرفت که به حدّ اقل‌های دنیوی بسنده



می‌کرد و در پی او کسانی بر اریکه‌ی قدرت قوای سه‌گانه تکیه زدند که آرزوی زندگی مسلمانانه داشتند و به تنها چیزی که فکر نمی‌کردند گردآوری مال و ثروت و سوءاستفاده از مقام بود. در بدنه‌ی حکومت نیز مدیرانی قرار گرفتند که یا خود متخلّق به اخلاق اسلامی بودند یا از بیم قرار گرفتن در معرض اتهام تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری خود را اهل زهد نشان میدادند. شرایط جنگ و حال و هوای جهاد و شهادت نیز از یک سو و مشکلات مالی کشور از سویی دیگر مانع از آن می‌شد که دنیازدگی و شکل‌گیری طبقه‌ی اشراف به صورت جدّی بروز کند.

با پایان گرفتن جنگ و شروع دوران بازسازی خرابیهای جنگ و عقب‌ماندگی‌های دوران طاغوت، اندک اندک رگه‌هایی از روی آوردن مردم و مسئولان به تجملات دیده شد. حتی شنیده شد که برخی افزایش مصرف را ضرورت تولید دانستند و با این ایده که تا مصرف بالا نرود، تولید پیشرفت نمی‌کند، سبک زندگی جدیدی در میان حاکمان و مردم رواج پیدا کرد.

اما رهبر معظم انقلاب که از میان مردم برخاسته بود، از اولین روزهای رهبری خود، همگان را به دوری از تجمل‌گرایی و اشرافی‌گرایی توصیه نمودند. در عین حال بر بازسازی کشور و افزایش سطح رفاه عمومی تأکید کردند. ایشان از ایجاد یک طبقه‌ی جدید اشرافی نهی کردند و مردم را نیز از مصرف‌زدگی و تجمل‌گرایی و اسراف باز داشتند.

اما متأسفانه این رهنمودها به صورت جدّی دنبال نشد و در نتیجه هم طبقه‌ی جدید اشراف و نوکیسه‌ها گسترش یافت و هم در طبقه‌ی متوسط به بالای جامعه مصرف‌زدگی و علاقمندی به تجملات جلوه‌گر شد.

در آخرین اتفاق هم افشا شدن فیشهای حقوقی نجومی قلب علاقمندان به انقلاب و به ویژه رهبر انقلاب را جریحه‌دار کرد.

البته بیان این مطالب به آن معنا نیست که همه‌ی مسئولان دچار این مشکلات شده‌اند و یا آن‌که بلیه‌ی مصرف‌زدگی و اسراف همگانی شده

است. بسیاری از بدنه‌ی مدیران حکومت به پیروی از رهبر معظم انقلاب زندگی زاهدانه را مطمح نظر خود قرار داده‌اند و بسیاری از اقشار مختلف مردم نیز همان الگوی زندگی انقلابی را دنبال می‌کنند.

اهمیت این موضوع، انتشارات انقلاب اسلامی را بر آن داشت تا با جمع‌آوری بیانات معظم‌له در چهار موضوع زهد، رفاه، تجمل‌گرایی و اشرافیگری و تبویب مناسب آن، مخاطبان محترم را در بازشناسی این چهار مفهوم بر اساس بیانات ایشان یاری رساند.

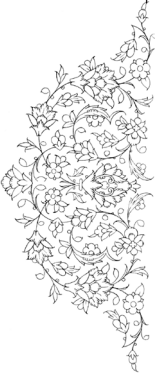
امیدواریم هم کارگزاران نظام و هم عموم مردم با به کار بستن نصایح معظم‌له در این زمینه، مقدمات تحقق جامعه‌ی آرمانی اسلامی را فراهم آورند. ان‌شاءالله

و من الله التّوفیق



فصل دوّم
رفاه





الف) تبیین و بیان اهمّیت

ضرورت برخوردارى مردم از حدّاقل رفاه

برادران عزیز عشایر! ما به دیدن شما آمده‌ایم. اگرچه بنده از وضع عشایر زیاد شنیده‌ام، اما لازم میدانستم که از نزدیک، شما را در خانه و محل زندگی‌تان ببینم... این وضع زندگی، اسلامی نیست؛ در اسلام مردم باید از حدّاقل رفاه در زندگی برخوردار باشند؛ نه خانه‌ای، نه محل سکونت، نه تغذیه‌ی خوبی، نه راهی؛ اینکه اسلامی نیست. اینجا، هم مسئولان عشایری کشور، هم وزیر محترم جهاد سازندگی و هم سایر مسئولان دولتی همراه ما هستند؛ آمده‌اند تا وضع شما را از نزدیک ببینند و ان‌شاءالله به شما خدمت کنند.^۱

فریاد بر سر تارک دنیا

نهج البلاغه‌ای که کتاب زهد است، بر سر آن کسی که زندگی دنیا را رها کرده است، به خیال اینکه آخرت خودش را درست کند، فریاد میزند. اسلام این‌گونه نیست.^۲

۱. در جمع مردم روستای عشایر نشین لید بازفت ۱۳۷۱/۷/۱۷

۲. در دیدار دانشجویان، به مناسبت روز وحدت حوزه و دانشگاه ۱۳۷۲/۹/۲۴

تفاوت رفاه مادی و مصرف‌گرایی

رفاه مادی، به معنای ترویج روحیه‌ی مصرف‌گرایی نیست. که خود، یکی از سوغاتهای شوم فرهنگ غرب است. بلکه بدین معنی است که کشور از نظر آبادی و عمران، استخراج معادن و استفاده از منابع طبیعی، تأمین سلامت و بهداشت جامعه، رونق اقتصادی و رواج تولید و تجارت، با تکیه بر استعدادهای ذاتی نیروهای انسانی خودی، به حدّ قابل قبول برسد و علم و فرهنگ و تحقیق و تجربه همگانی شود و نشانه‌های فقر و عقب‌افتادگی رخت‌بریند.^۱

رفاه در زندگی؛ راهبرد اقتصادی اسلام

زندگی راحت برای بشر لازم و ضروری است و اسلام با قوانین و مقررات خود، انسانها را به سمت رفاه و آسایش زندگی میبرد؛ اما این آسایش زندگی، بخودی‌خود هدف نیست. ای بسا انسانهایی که زندگی راحت دارند، دغدغهی معاش و شکم و آسایش ندارند، اما از انسانیت هم بویی نبرده‌اند. تمدنهای مادی، بشر را به آن زندگی دعوت میکنند؛ البته دروغ هم میگویند. ... اگر ما به احکام اسلامی عمل بکنیم، اگر جامعه‌ی اسلامی، ایمان اسلامی را همراه با عمل به مقررات و قوانین الهی تعقیب بکند، همان چیزی اتفاق خواهد افتاد که بشریت در طول تاریخ به دنبال آن بوده است. یعنی چه؟ یعنی آسایش و رفاه مادی همراه با تکامل و پیشرفت و عروج معنوی. بشر حیوان نیست که علف جلوی او بریزند و برایش کافی باشد. انسان میخواهد باصفا و نورانی باشد. انسان از نورانیت و صفا و بندگی خدا احساس لذت روحی میکند.^۲

۱. پیام به ملت شریف ایران، در پایان چهلمین روز ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۶۸/۴/۲۳

۲. در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران حضرت (رضاع) ۱۳۷۰/۱/۲۹

رفاه مادی از برکات عمل به قرآن کریم

برکات قرآن در این چیزهایی که بنده با بیان قاصر عرض کردم، محدود نمیشود؛ برکات قرآن برکات بی‌انتهایی است. در قرآن و با قرآن عزت هست، قدرت هست، پیشرفت هست، رفاه مادی هست، تعالی معنوی هست، گسترش فکر و عقیده هست، شادی و سکینه‌ی روح هست.^۱

اهتمام ادیان الهی به ایجاد رفاه

ایجاد رونق اقتصادی و رفاه اجتماعی در جامعه، یک اصل اساسی همه‌ی ادیان است. یعنی ادیان، از جمله‌ی چیزهایی که میخواهند به وجود آورند، این است که جامعه، جامعه‌ی مرفه‌ی باشد. جامعه‌ی فقیر که نمیخواهند!^۲

رفاه عمومی؛ از اهداف انقلاب اسلامی

هدفهای انقلاب چیست؟ در درجه‌ی اول حاکمیت اسلام است؛ اصلاً انقلاب برای این به‌وجود آمد؛ برای اینکه اسلام حکومت کند؛ حاکمیت داشته باشد با معنای خاص خودش. اهداف انقلاب [عبارتند از]: حاکمیت دین خدا، آزادی، عدالت اجتماعی، رفاه عمومی، ریشه‌کنی فقر و جهل، مقاومت در برابر سیل بنیان‌کن فساد اخلاقی‌ای که از غرب به همه‌ی دنیا سرازیر شده که شما امروز دارید خصوصیاتش را میبینید. در کشورها همجنس‌بازی را قانونی میکنند.^۳

رفاه مادی توأم با سازندگی معنوی

دنیا و آخرت در نظام اسلامی و در برنامه‌ی این نظام، توأم‌اند. انسانها

۱. در محفل انس با قرآن کریم ۱۳۹۵/۳/۱۸

۲. در دیدار رئیس‌جمهور و هیئت دولت ۱۳۷۱/۵/۳۱

۳. در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۵/۳/۶

باید زندگی را سرفراز و با رفاه بگذرانند؛ اما این رفاه و آسایش و هرچه که این آسایش را برای انسانها فراهم میکند، همه و همه مقدمه برای رضای الهی است. آنها ذی‌المقدمه است و هدف، کسب رضای پروردگار است.^۱ خصوصیت دین مقدس اسلام، بخصوص مجموعه‌ی فکری و عقیدتی شیعه - که امتیازاتی دارد- این است که همه‌ی عوامل لازم برای رشد فردی و اجتماعی انسان را در خودش جمع دارد. این، نکته‌ی خیلی مهمی است ... هم رشد مادی در آن هست و هم رشد معنوی. یعنی در اسلام «خلق لکم ما فی الأرض جمیعاً»^۲ هست. «قل من حرم زینة الله الّتی اخرج لعباده»^۳ هست... البته اسلام در کنار رشد مادی جامعه، رشد معنوی هم ایجاد میکند. میگوید که باید به در خانهای خدا بروید: «قل ما یعبؤا بکم ربّی لولادعواکم»^۴ باید دعا کنید. «وقال ربکم ادعونی استجب لکم»^۵ باید دعا کنید تا از خدا جواب بشنوید. حیات انسان، جز در رابطه با خدا، معنا ندارد... جمع بین تلاش و سازندگی مادی با تلاش و سازندگی معنوی، یعنی همین. لذا شما ببینید که آن کسی که در اسلام، اهل سازندگی مادی است، ازهد خلق‌الله هم اوست. امیرالمؤمنین(علیه‌السلام)، با دست خود چاه و قنات حفر کرد و آن‌گاه که آب به ضخامت گردن شتر فوران نمود، از چاه بیرون آمد؛ با همان لباس کار گل‌آلود، کنار چاه نشست و بر کاغذ نوشت که «این آب را برای فقراوقف کردم و صدقه قراردادم»^۶ یعنی چون به آبادانی جایی پرداخت، آن‌ا در راه خدا انفاق میکند. منفق‌ترین، سازنده‌ترین، به ماده‌ی پردازنده‌ترین؛ و از لحاظ معنا، برترین و بالاترین. این، نتیجه‌ی تربیت و نشانگر برنامه‌ی رفاه مادی

۱. در مراسم پنجمین سالگرد ارتحال حضرت امام(ره) ۱۴/۳/۱۳۷۳

۲. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۹

۳. سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۳۲

۴. سوره‌ی فرقان، آیه‌ی ۷۷

۵. سوره‌ی مؤمن، آیه‌ی ۶۰

۶. الکامل فی اللغة و الادب للمیرد، ج ۳، ص ۱۵۳ و مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۶۲

و معنوی اسلام است.^۱

ملت ما به فضل پروردگار خواهد توانست حیات طیبه‌ی اسلامی را که دنیا و آخرت و مادّه و معنا و علم و عبادت و رفاه در آن جمع شده است، به وجود آورد. اگر توانستیم چنین جامعه و نظامی را تشکیل دهیم، آن روز شکست واقعی را برای دشمنان جهانی اسلام ایجاد کرده‌ایم.^۲

کار دشمن؛ القای تفکر جدایی رفاه و معنویّت

دشمن و بیگانگان، این گونه وانمود میکنند که اگر یک مجموعه، برای ایجاد رفاه و حل مشکلات مردم کار میکند، لزوماً به معنای دور افتادن از معنویّات و آرمانهاست! این، غلط است. این، تصوّر افراد ساده‌لوح و تغلیط و تسویل افراد مغرض است. اسلام، برای دنیا و آخرت مردم، برنامه و هدف دارد. مسئولان اداری کشور موظّفند همان قدر به امور مادی مردم برسند که به امور معنوی میرسند.

بیگانگان، این گونه تبلیغ میکنند که اگر مجموعه‌ای میخواهد مشکلات مردم را حل کند و تولید را زیاد و معادن و صنایع را فعال نماید و کشاورزی را پربار کند و کارخانه‌ها را با همه‌ی ظرفیّت به کار وا بدارد، پس لابد این کار، به معنای فراموش کردن و یا ضعیف و کمرنگ نمودن آرمانها و معنویّات و اهداف انقلاب است. این فکر، فکر دشمن است که میخواهد در ذهن مردم ما آن را القا کند و خیلی مایه‌ی تأسّف است که انسان مشاهده کند بعضی از افرادی که دوستند، غافلانه و ساده‌لوحانه، همان حرف دشمن را تکرار میکنند!

دنیا و آخرت، رفاه و آرمان، باهم و در کنار هم قابل پیشرفت است.

۱. در دیدار روحانیون و مبلغان، در آستانه‌ی ماه محرم - برای مطالعه بیشتر، رک: در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران حضرت رضا(ع) ۱۳۷۰/۱/۲۹
۲. در مراسم بیعت ائمه‌ی جمعه، روحانیون، مسئولان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اقبال مختلف مردم و خانواده‌های معظم شهدای استانهای یزد و کهگیلویه و بویراحمد ۱۳۶۸/۴/۱۱

تصوّر اینکه جامعه‌ی آرمان‌گرا به حل مشکلات مادی و رفاهی نخواهد رسید، به معنای این است که بگوییم ادیان و مقدّسات و معنویات و آرمانها، به فکر دنیا و زندگی مردم نیستند! این، خلاف صریح اسلام و همه‌ی ادیان است. مطمئناً حرکت به سمت گشودن گره‌های مردم و باز کردن راه به سمت یک زندگی مرفّه و سالم و خوب، که مردم از فراوانی و ارزانی و دیگر امکانات استفاده کنند، یک وظیفه‌ی اسلامی است که بر دوش همه- بخصوص بر دوش شما که مسئولان و مدیران کشور هستید- است. این کار، عملی است و قطعاً جزو آرمانهای اسلامی و امام عزیزمان میباشد.

جامعه‌ی مؤمن و انقلابی، تعارض دنیای زودگذر و سهل‌الوصول با آرمانهای ماندگار و صعب‌الوصول را به نفع این دوّمین حل خواهد کرد. رسیدن به آرمانها دشوار است؛ ولی ملت ایران در برنامه‌ریزی‌های جامع و بلندمدت شما، ان شاء الله آرمانها و معنویات اسلامی خود را به دست خواهد آورد.^۱

ضرورت جهتگیری رفاه به سمت اقشار محروم

اما در این جامعه‌ی مرفّه، کسی که هدف رفاه ماست، شخصی نیست که خودش رفاه دارد؛ کسی که هدف رفاه ماست، فردی است که رفاه ندارد. به این باید توجه کنید. یعنی شما باید در همه‌ی برنامه‌ریزی‌ها در دولت، طوری عمل کنید که محصول کار، مستقیم به دست کسانی برسد که در جامعه دچار فقر و کمبود اقتصادی‌اند و جزو محرومین هستند.^۲

۱. در دیدار با حجت‌الاسلام‌المسلمین هاشمی رفسنجانی رئیس‌جمهور و هیئت وزیران، به همراه

حجت‌الاسلام‌المسلمین حاج سید احمد خمینی، به مناسبت آغاز فعالیت کابینه ۱۳۶۸/۶/۸

۲. در دیدار رئیس‌جمهور و هیئت دولت ۱۳۷۱/۵/۳۱

فرق نظام اسلامی و نظام سرمایه‌داری

اساس در نظام اسلامی، عبارت است از رفاه عمومی و عدالت اجتماعی. فرق عمده‌ی ما با نظام‌های سرمایه‌داری همین است... البته ممکن است یک نفر با تلاش و استعداد بیشتر، بهره‌ی بیشتری برای خودش فراهم کند. این مانعی ندارد. اما در جامعه فقر نباید باشد. هدف برنامه‌ریزان باید این باشد.^۱

پایبندی به اصول انقلاب یعنی تلاش برای رفاه مستضعفان

بعضی از رسانه‌های مغرض خارجی اصرار دارند وانمود کنند که پایبندی به اصول انقلاب، به معنای دوری از رفاه عمومی و علاج نکردن مشکلات طبقات ضعیف و مستمند است. این حرف از کسانی صادر میشود که ده‌ها سال جوامع خود را در سایه‌ی سنگین تفکر کمونیستی، به راهی بدبختی‌زا سوق داده‌اند. درحالی‌که سران آن کشورها مانند کشورهای سرمایه‌داری، غرق در زندگی اشرافی بودند، طبقات پایین جامعه در انواع سختی‌های مادی و معنوی به سر میبردند. در نظام اسلامی، رفع فقر و محرومیت، در شمار هدفهای طراز اول است و پایبندی به اصول انقلاب، بدون مجاهدت در راه نجات مستضعفان و محرومان، سخنی بی‌معنی و ادعایی پوچ است.

دولت و ملت، باید سازندگی کشور را وظیفه‌ای انقلابی بدانند؛ با همکاری و با بسیج همه‌ی نیروها و استعدادها و مغزها و بازوها، ایران را چنان آباد و پیشرفته بسازند که امید را در دل ملت‌های مظلوم زنده کند و راه آسایش مادی و تعالی معنوی را به آنان ارائه نماید.^۲

۱. در مراسم تنفیذ حکم دوره‌ی دوم ریاست‌جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی ۱۳۷۲/۵/۱۲

۲. پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۶۹/۳/۱۰

اهداف معنوی همراه با توسعه‌ی عدالت یعنی الگوی یک کشور اسلامی ایران یکپارچه با اقوام مختلف و متعدد، دارای یک هدفند؛ دارای یک مسیرند. بله، ممکن است زبانها مختلف باشد، مذاهب مختلف باشد، اما اهداف عالی این ملت یکسان است؛ همه می‌خواهند ایران عزیز را به‌عنوان الگوی یک کشور اسلامی به دنیا معرفی کنند. الگوی کشور اسلامی هم به معنای این نیست که در این کشور همه‌ی مردم فقط مشغول نماز و روزه و دعا و توسلاتند؛ نه، اینها هست، اینها معنویت است، اما در کنار این معنویت، پیشرفت مادی هست، رشد علمی هست، توسعه‌ی عدالت هست، کم شدن فاصله‌های طبقاتی هست، برداشته شدن نمونه‌ها و قله‌های اشرافیگری هست؛ خصوصیت جامعه‌ی اسلامی اینها است. آن‌وقت در یک چنین جامعه‌ای، مردم خوشبختند، احساس امنیت میکنند، احساس آرامش میکنند، به سمت اهداف عالی‌هی خود پیش می‌روند، خدا را عبادت هم میکنند، پیشرفت دنیوی هم نصیب آنها میشود؛ ملت ایران دنبال یک چنین جامعه‌ای است.^۱

ناتوانی تمدن غربی از ایجاد رفاه عمومی

اگر تمدن غربی، با این همه پیشرفت علمی، با پیمودن فضا، با ثروتهای عظیم مادی‌ای که در اختیار دارد و از کشورهای جهان سوم و فقیر دزدی و غارت کرده است، ادعا بکند که فقر را در کشورهای پیشرفته برانداخته، دروغ گفته است. پس، تمدن غربی، همان زندگی مادی راحت و برخوردار از رفاه را هم نمیتواند به همه‌ی انسانها بدهد.^۲

۱. در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۵/۵/۱۱

۲. در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران حضرت رضاع) ۱۳۷۰/۱/۲۹

ب) راهکارها و آثار

اقتصاد مقاومتی راه اصلاح معیشت مردم

بنده به مسائل معیشت مردم خیلی فکر میکنم، خیلی دغدغه‌مندم نسبت به مسئله‌ی معیشت مردم اما هرچه فکر میکنم، هرچه با کارشناسها و آدمهای وارد و مطلع مشورت میکنم، میبینم جز این راهی وجود ندارد که ما قطعاً تکیه کنیم به مسائل داخلی. اینکه تجار خارجی بیایند و بروند و هیچ آبی هم از اینها گرم نشود - که تا حالا [هم] نشده - [چه فایده دارد]؟ الان حدود یکسال است مدام می‌آیند و میروند؛ کاری هم نکرده‌اند. اگر هم بخواهند کاری کنند، تصرف بازار ایران است که درست به ضرر ما است. فایده‌ی آمد و رفت این هیئتها باید سرمایه‌گذاری باشد، باید ایجاد تولید باشد، باید در جاهایی که احتیاج داریم به فناوری جدید، [آوردن] فناوری جدید باشد؛ اینها باید باشد؛ اینها نیست یا کم است. این چیزها را بایستی مسئولین محترم رعایت کنند، دنبال کنند. اینکه ما گفتیم اقدام و عمل، البته حالا مشغولند، باید ان شاء الله نتیجه‌ی کار محسوس بشود، ملموس بشود که مردم حس کنند، لمس کنند؛ راه این است... اگر بخواهیم معیشت مردم اصلاح بشود، مشکلاتی که دارند، طبقاتی که وجود دارند، باید به این کارها توجه بکنیم^۱.

رفاه اقتصادی ملازم با استقلال سیاسی و عدالت اجتماعی

آیا بیست سال بعد ما ایرانی با این خصوصیات که عرض میکنم میخواهیم؟ ... ایرانی متدین؛ ایرانی ثروتمند؛ ایرانی برخوردار از عدالت، عدالت اقتصادی، عدالت اجتماعی، عدالت قضائی؛ ایرانی با یک حکومت مردمی؛ ایرانی با حکومتی پاک، جهادگر، دلسوز و پرهیزکار؛ این جور ایرانی میخواهیم؛ که این البته یک چیز مطلوبی است.

۱. در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۵/۵/۱۱

یا نه، اهمّیت نمیدهیم به این عناصری که گفته شد؛ به این نکاتی که گفته شد خیلی اهمّیت نمیدهیم یا حتّی با بعضی از آنها مخالفیم؛ [یعنی] ایرانی میخواهیم که در آن رونق اقتصادی و رفاه اقتصادی باشد ولو به صورت وابسته‌ی به دیگران. البتّه چنین چیزی امکان هم ندارد و حالا [خود] این بحث دارد که کشوری که از لحاظ اقتصادی وابسته‌ی به دیگران است امکان رفاه اقتصادی ندارد؛ بله، قله‌های ثروت در آنجاها به وجود می‌آید، اما اینکه کشور برخوردار از رفاه و آرامش فکری و اقتصادی باشد، چنین چیزی امکان ندارد. حالا فرض کنید ما میخواهیم وابسته باشیم و از لحاظ سیاسی مشکلی در وابسته بودن نمیبینیم؛ کما اینکه الان بعضی‌ها صریحاً همین حرف را میزنند؛ کشوری تک‌محصول - تقریباً مثل الان - متکی به نفت و خام‌فروشی؛ کشوری از لحاظ فرهنگی رها شده؛ کشوری مبتلا به گسستهای اجتماعی، گسستهای قومی، گسستهای دینی و مذهبی، گسستهای سیاسی؛ کشوری با حاکمیت اشرافی، با قله‌های ثروت از قبیل آنچه در آمریکا [وجود دارد] - وال استریت^۱ ایرانی - در مقابل فقر و محرومیت عده‌ی کثیری؛ کشوری با این خصوصیات و این جور چیزی میخواهیم. در آمریکا طبق همین اخبار آشکار، هوا که گرم میشود، عده‌ای از گرما میمیرند؛ خب از گرما که در خانه‌ها کسی نمی‌میرد؛ این یعنی بی‌خانمانی، یا وقتی سرما میشود از سرما کسان زیادی می‌میرند - که آمارهایش گاهی از دستشان در می‌رود و گفته میشود و خیلی اوقات هم گفته نمیشود - این یعنی بی‌خانمانی. در کشوری با آن ثروت - آمریکا کشور ثروتمندی است - این معنایش این است که قله‌هایی وجود دارد و در کنار این قله‌ها دره‌های بدبختی و نابسامانی و فقر و محرومیت وجود دارد.^۲

۱. وال استریت خیابانی در شهر نیویورک است که بزرگ‌ترین مراکز و بورسهای اقتصادی آمریکا در آن قرار دارد و نمادی از اکثریت یک درصدی ثروتمندان آمریکا است.

۲. در دیدار جمعی از استادان دانشگاه‌ها ۱۳۹۵/۳/۲۹

سیاست‌های اصل ۴۴؛ گامی در جهت رفاه عمومی

روح اصل ۴۴ و سیاست‌های اصل ۴۴ این است. طوری بشود که منابع درآمدی آحاد مردم، بخصوص طبقات ضعیف، متنوع شود؛ مردم بتوانند گشایشی پیدا کنند؛ این یک گام بلند در راه رفاه عمومی است.^۱

خواست اکثریت مردم؛ رفاه در چهارچوب مقررات اسلام

بدیهی است که اکثریت مردم، متدین و انقلابی هستند و مایلند آنچه برای رفاه و سعادت دنیوی آنها انجام میگیرد، در چهارچوب احکام و مقررات اسلامی باشد. خوشبختانه همه‌ی این آقایان نامزدهای ریاست جمهوری اعلام کرده‌اند که این‌طور بناست عمل کنند. ما هم همین توقع را از آنها خواهیم داشت.^۲

رفاه اقشار محروم؛ دغدغهی انسان مؤمن و حکومت اسلامی

این جمع حاضر تقریباً مسئولان بخش‌های کلیدی و اساسی جمهوری اسلامی به حساب می‌آیند، یک فرصت استثنایی در اختیارمان قرار گرفته است تا بتوانیم اهداف الهی و اسلامی را در یک بخش مهم از جهان که کشور بزرگ و عزیز ایران است، تحقق بخشیم و آنها را پیاده کنیم. ... به طور کلی وظایفی بر عهده‌ی ماست؛ هم ما به عنوان دولت و حکومت، هم ما به عنوان یک فرد مسلمان. اما این وظایف یک مبنای فکری دارد.

... آن مجموعه‌ی معارفی که خطوط اصلی عملکرد و وظایف ما از آنها به دست می‌آید، یعنی جهان‌بینی و بینش اسلامی فصول متعددی دارد؛ همه هم در عمل و اقدام فرد و دولت دارای تأثیر است؛ که من پنج نقطه‌ی مؤثرتر و مهم‌تر را انتخاب کرده‌ام و عرض می‌کنم... حال براساس اینها

۱. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۸۶/۱/۱

۲. در مصاحبه پس از رأی‌گیری انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۷۶/۳/۲

یک نتایج عملی به دست می‌آید و وظایفی بر عهده‌ی انسانهایی که معتقد به این مبانی‌اند، قرار می‌گیرد. فرق نمی‌کند؛ چه حکومت اسلامی باشد و حاکمیت و قدرت در دست اهل حق باشد، چه حکومت اسلامی نباشد... دوّم، هدف گرفتن تعالی انسان است؛ تعالی خود و دیگران. این تعالی شامل تعالی علمی، تعالی فکری، تعالی روحی و اخلاقی، تعالی اجتماعی و سیاسی یعنی جامعه تعالی پیدا کند و تعالی اقتصادی است؛ یعنی رفاه امور زندگی مردم. همه موظّفند برای این چیزها تلاش کنند: گسترش و پیشرفت علم برای همه؛ حاکمیت اندیشه‌ی سالم و فکر درست؛ تعالی روحی و معنوی و اخلاقی، تخلّق کریم و مکارم اخلاق؛ پیشرفت اجتماعی بشری نه فقط جنبه‌های معنوی و علمی و اخلاقی یک فرد، بلکه جامعه هم مورد نظر است و پیشرفت امور اقتصادی و رفاهی انسانها و بایستی مردم را به سمت رفاه و تمتّع هرچه بیشتر از امکانات زندگی پیش ببرند. این یکی از وظایف همه است؛ مخصوص دوره‌ی قدرت و حکومت هم نیست؛ در دوره‌ی حکومت غیر خدا هم این وظیفه وجود دارد.^۱

ایجاد رفاه برای تأمین کرامت انسانی مردم

من در پیامی هم که به مناسبت افتتاح مجلس به شما عزیزان عرض کردم، این نکته را متذکّر شدم که همه‌ی کارها را دفعتاً نمیشود انجام داد؛ اولویّت‌ها را در نظر بگیرید. امروز در بعضی از گفته‌ها و اظهارات، راجع به شأن و شخصیت و شرف و کرامت انسان در جامعه حرف زده میشود. این بلاشک از اصول اسلامی است؛ اما کدام نقض کرامت انسانی بالاتر از اینکه انسانی، رئیس عائله‌ای، پدر خانواده‌ای، در جامعه‌ای که در آن همه چیز هم هست، نتواند اولیّات زندگی فرزندان خودش را تأمین کند؟! کدام تحقیر از این بالاتر است؟! کدام نقض شخصیت و شرف و کرامت انسانی از این

۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۹/۱۲

بالا تر است؟! صبح تا شب کار کند، آخرش به من یا به شما یا به آن مسئول دیگر نامه بنویسد که من دو ماه است به خانه‌ام گوشت نبرده‌ام! یک وقت در جامعه گوشت و میوه نیست، من و شما هم نمیخوریم؛ یک وقت در جامعه امکانات رفاهی نیست، من و شما هم استفاده نمیکنیم؛ یک وقت ایام عید که میشود، فرزندان من و شما هم لباس نو بر تن نمیکنند. در این حالت کسی احساس سرشکستگی نمیکند «البیّة اذا عمت طابت»^۱ اما وقتی همه چیز هست، وقتی کسانی در جامعه با استفاده از فرصتهای نامشروع توانسته‌اند برای خودشان آلف‌والوف و زندگی‌های تجملی فراهم کنند، وقتی طبقاتی در جامعه هستند که برایشان پول خرج کردن هیچ اهمیتی ندارد، جمع کثیری از مردم که در بین آنها رزمندگان و عناصر نظامی و کارمندان دولت و معلمان و روستاییان و مردم مناطق محروم و دور و مناطق جنوب هستند، نتوانند نان و پنیر بچه‌هایشان را فراهم کنند، کدام شکستن شخصیت و شرف انسانی از این بالاتر است؟! شما میخواهید جواب چه کسی را بدهید؟ شما میخواهید دل چه کسی را خوش کنید؟ شما میخواهید چه کسی از شما راضی باشد؟^۲

ضرورت تأمین رفاه اقشار محروم همراه با خوداتکایی آنها

سیاستهای کلّی برنامه‌ی ششم توسعه - امور اقتصادی...

۴۱- توانمندسازی و خوداتکایی اقشار و گروه‌های محروم در برنامه‌های

مربوط به رفاه و تأمین اجتماعی.^۳

رجاء واثق دارم مجموعه فوق و رئیس محترم این نهاد انقلابی^۴ با استعانت از پروردگار متعال و بهره‌گیری از تجربیات ارزشمند موجود، در

۱. ضرب‌المثلی عربی است به این معنا: «بلا هنگامی که فراگیر شود قابل تحمل خواهد بود.»

۲. در دیدار با نمایندگان دوره‌ی ششم مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۹/۳/۲۹

۳. ابلاغ سیاستهای کلّی برنامه‌ی ششم توسعه ۱۳۹۴/۴/۹

۴. اشاره به کمیته‌ی امداد امام خمینی(ره) ۱۳۹۴/۴/۹

تحقق هدف نورانی این تشکیلات الهی که همانا توانمندسازی و شکوفایی استعدادها و تأمین خوداتکایی نیازمندان و محرومان و تقویت و رشد ایمانی و اعتقادی آنان با ارائه خدمات اجتماعی، حمایتی، فرهنگی و معیشتی میباشد، گامهای اساسی و تکمیلی بردارند.^۱

لزوم بکارگیری نهایت تلاش از سوی مسئولان برای ایجاد رفاه عمومی
برای مردم هرچه میتوانید، رفاه ایجاد کنید؛ هرچه میتوانید، درآمد ملی را زیاد کنید؛ هرچه میتوانید، در کشور ثروت تولید کنید؛ اما خودتان نه. مسئولین لاقول تا وقتی مسئولند، به زندگی رفاه‌طلبی رو نکنند.^۲

تأمین رفاه در جامعه در پرتو تعالیم اسلامی

زندگی مادی هم در گروی ایمان به خداست. پس ایمان به خدای متعال نه فقط سعادت معنوی را تأمین میکند، بلکه سعادت مادی را هم تأمین میکند. ایمان به خدای متعال موجب میشود که بشر در زندگی مادی خود بتواند همه‌ی آن چیزهایی را که انسان به آن نیازمند است، به دست بیاورد. «ولو اتمم اقاموا التوراة والإنجیل وما أنزل إليهم من ربهم لأكلوا من فوقهم ومن تحت أرجلهم»^۳ اگر اقامه‌ی دین بشود، اگر تعالیم اسلامی در جامعه عمل بشود، انسانها از لحاظ رفاه به آن حدی میرسند که هیچ نیازی برای آنها باقی نماند که تأمین نشده باشد.^۴

ایجاد رفاه در جامعه؛ زمینه‌ساز صدور فکر انقلاب

ملتی که با ایمان صادقانه و صحیح اسلامی حرکت کند، از عزت و

۱. در انتصاب اعضای هیئت امنا و رئیس کمیته امداد امام خمینی (ره) ۱۶ / ۱ / ۱۳۹۴

۲. در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۶ / ۵ / ۱۳۹۰

۳. سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۶۶

۴. در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱ / ۱ / ۱۳۸۹

راحتی و رفاه مادی برخوردار خواهد شد و دیگر کسی نمیتواند چیزی را بر او تحمیل کند. ما به فضل پروردگار و در سایه‌ی ایمان عمیق ملتمان خواهیم توانست در این قطعه از عالم، جامعه‌ای آباد و آزاد و مرفه و راحت به وجود آوریم که مشاهده‌ی آن برای ملت‌ها درس باشد و منجر به صدور فکر انقلاب شود.^۱

۱. در مراسم بیعت اقشار مختلف مردم استان کرمانشاه و شهرهای رشت، اراک، سرپند، فردوس، طیس، خوانسار، بیدخت، گناباد و جویبار ۱۳۶۸/۴/۱۴

فصل سوّم
تجمل گرای و مصرف زدگی





الف) تبیین و بیان ضرورت اجتناب

مصرف‌گرایی یعنی صرف درآمد در امور غیرضروری

چرا در بین بسیاری از مردم ما مصرف‌گرایی رواج دارد؟ آیا مصرف‌گرایی افتخار است؟ مصرف‌گرایی یعنی اینکه ما هر چه گیر می‌آوریم، صرف اموری کنیم که جزو ضروریات زندگی ما نیست.^۱

دستور اسلام؛ تولید ثروت و جلوگیری از مصرف‌گرایی

تولید ثروت از نظر اسلامی بی‌مانع است. تولید ثروت با غارت ثروت دیگران فرق دارد. یک‌وقت کسی به اموال عمومی دست‌درازی میکند، یک‌وقت کسی بی‌قانون و بدون پیروی از قانون به دستاوردهای مادی میرسد؛ اینها ممنوع است؛ اما از طریق قانونی، تولید ثروت از نظر شارع مقدّس و از نظر اسلام، مطلوب و مستحسن است. ثروت را تولید کنند، منتها در کنارش اسراف نباشد. اسلام به ما می‌گوید ثروت تولید کنید، اما اسراف نکنید. مصرف‌گرایی افراطی مورد قبول اسلام نیست. آنچه که از تولید ثروت به دست می‌آوردید، باز همان را وسیله‌ای برای تولید ثروت

۱. در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۳

دیگر بکنید. مال را نه به صورت راکد و نازا در بیاورید- که در اسلام اسمش کنز کردن است- نه به صورت ولخرجی و ولنگاری در مصرف مال، آن را صرف در چیزهای غیرلازم زندگی کنید؛ اما با توجه به اینها، ثروت را برای خودتان تولید کنید. ثروت آحاد مردم، ثروت عموم کشور است؛ همه از آن سود میبرند.^۱

دوری مسئولان از تجمل؛ از جمله ارزشهای انقلاب

انقلاب، یک تحوّل بنیادین بر اساس یک سلسله ارزشهاست و یک حرکت به جلو محسوب میشود. آنچه در کشور ما واقع شد، انقلاب اسلامی است که تحوّل عظیمی در ارکان سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جامعه و یک حرکت به جلو و یک اقدام به سمت پیشرفت این کشور و این ملت بود. البته در نظامی که بر اساس انقلاب به وجود آمد، ما از شرق و غرب الگو نگرفتیم... الگوی ما ارزشهای دیگری بود که به مقداری از آن ارزشها اشاره کردم.

ارزش دیگر، دوری از اسراف و تجمل در سطح زمامداران است. البته تجمل و اسراف در همه جا بد است؛ اما آن چیزی که مردم را وادار میکرد که نسبت به این قضیه حساسیت نشان دهند، رفتارهای مسرفانه و متجملانه و ولخرجیها با مال مردم در سطح حکومت بود. این از آن چیزهایی بود که مردم نمیخواستند. نظام اسلامی بر اساس این ارزش به وجود آمد که چنین چیزی نباشد.^۲

خطری بزرگ برای مسئولان

نمایندهی ملت از جنس ملت است. شما نه از قصرهای رفیع و خاندانهای اشرافی، که از متن مردم، از مدرسه و حوزه و دانشگاه و از

۱. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۸۶/۱/۱

۲. در خطبههای نماز جمعهی تهران ۱۳۷۹/۲/۲۳

میدانهای کار به مجلس گسیل شده‌اید. این رابطه و این منش را پاس بدارید و برای خود نگاه دارید. خوی اشرافی و گرایش به اسراف و طعمه انگاشتن این مسئولیت، بلای بزرگی است که گاه مردم سابقاً نجیب و پارسا هم ممکن است نتوانند خود را از آن برحذر بدارند. همه باید بشدت مراقب خویش باشیم و دوره‌ی مسئولیت خود را، حسنه‌ای ماندگار، و نه سیئه‌ای دامنگیر، بسازیم.^۱

بی‌اعتنایی به تجملات؛ توصیه به نمایندگان مجلس

برادران و خواهران نماینده را به رعایت تقوا و توکل به خداوند و توجه به معنویت و اخلاق و عبادت و بی‌اعتنایی به تشریفات زائد و تجملات اسراف‌آمیز و اجتناب از گروه‌گرایی و مقدم داشتن مصالح کشور و مردم بر مصالح شخصی و گروهی و انقیاد در برابر حق و پرهیز از توصیه‌های خصوصی و شخصی و دوری از صرف نابجای بیت‌المال و دوستی و مهربانی با رقبای دوران انتخابات و برحذر بودن از وسوسه‌ی شیطان و اغوای نفس اماره، توصیه می‌کنم.^۲

جرم و خطا بودن تغییر دکور اتاق مسئولین

اندازه نگه دارید؛ دولت مخارجش زیاد و سنگین است. مخارج سنگین دولت منجر به این میشود که مثلاً در فلان بخش سوبسید را بردارند. این، سیاست درست و متین و منطقی هم است؛ شکی در آن نیست، باید هم انجام بگیرد، چاره‌ای هم نیست، روی مردم هم فشار می‌آید؛ اما این مخارج را منصفانه قرار بدهیم و خودمان به دست خودمان بر مخارج چیزی اضافه نکنیم.

۱. پیام به مناسبت آغاز به کار هشتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۷/۳/۷

۲. پیام به مناسبت افتتاح چهارمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۱/۳/۷

اگر مبلغی از مخارج دولت، عبارت از تغییر دکوراسیون اتاق مدیر کل و معاون وزیر و وزیر و فلان مسئول قضائی و فلان مسئول در بخشهای گوناگون دیگر باشد، این جرم و خطاست. اگر یکی از مخارج دولت این باشد که فلان تعداد ماشین جدید بیاوریم و بین دستگاهها تقسیم بکنیم، ما حق نداریم این را جزو مخارج دولت حساب کنیم و به حساب آن از سوبسید مردم بزنیم. نه، این خلاف است. برای این کارها حد بگذارید. دستگاهها باید بخشنامه کنند و در مورد این تغییر دکوراسیونها و تغییر خانهها و خرجهای اضافی حدی معین بکنند. من نمیگویم مثل بعضی از تندروها باشیم که میگویند در مسجد بنشینیم و وزارت کنیم؛ نه، در مسجد نمیشود. وزارت کردن، یک ساختمان و چهار تا اتاق و تعدادی مسئول و یک مقدار هم بالاخره امکانات برای زندگی آن آقایی که میخواهد خدمت بکند، میخواهد؛ اما باید در حدی باشد.^۱

مغزهای سطحی نگر؛ تمجیدکننده‌ی تجمل‌گرایی

برادران عزیز! عناصر رزمنده‌ی نیروهای مسلح! برحسب تجربه‌های تاریخی، آنچه بیش از همه برای ملت‌ها مایه‌ی افتخار است، عبارت است از قدرت دفاع و قدرت سازندگی؛ در معیار تقدیر و ارزشگذاری بر روی ملت‌ها، آنچه در بالای صفحه قرار میگیرد، این دو توانایی است. هرگز در تاریخ، کشوری را به خاطر مثلاً وسعت بازرگانی‌اش یا تجملات زندگی یا مصرف زیاد و از این‌گونه چیزها ستایش نمیکنند؛ مگر زبانهای سطحی جو مغزهای سطحی نگر؛ اما ملت‌هایی را که توانسته‌اند در مواقع حساس از خود دفاع کنند، تاریخ ستایش میکند و قشرهای ژرف‌نگر به چشم تجلیل بر آنها مینگردند.^۲

۱. در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰/۵/۲۳

۲. در مراسم صبحگاه نظامی پایگاه منطقه‌ی دوّم دریایی نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی

ایران در بوشهر ۱۳۷۰/۱۰/۱۲

آمارهای تکان‌دهنده‌ی اسراف در کشور

من یکی دوتا از این آمارهای تکان‌دهنده را عرض بکنم؛ اسراف در قلمهای مهمّ مصرفی کشور، از جمله اسراف در نان. برحسب بررسی میدانی‌ای که در تهران و بعضی از مراکز استانها شده است، گفته میشود که ۳۳ درصد نان ضایعات است. یک سوّم همهی نانی که در این شهرها تولید میشود، دور ریخته میشود. فکرش را بکنید شما؛ یک سوّم! آن وقت کشاورز ما با آن زحمت گندم را تولید کند و اگر یک سالی بارندگی کم بود- مثل سال گذشته که تولید گندم در کشور کم شد- دولت از پول عمومی، از بودجه‌ی مردم گندم از خارج وارد کند، این گندم آرد بشود، خمیر بشود، نان بشود، بعد یک سوّم از این همه ثروت دور ریخته شود. چقدر تأسّف‌آور است! متأسّفانه این واقعیت دارد، این هست.

در مورد آب بررسی‌هایی که کرده‌اند، میگویند تلفات آب در مصرف خانگی تا حدود ۲۲ درصد است. کشور ما کشور پرآبی نیست. حداکثر صرفه‌جویی را ما مردم ایران در آب باید انجام دهیم. آن وقت این آبی که با این زحمت تولید میشود، از راه‌های دور آورده میشود، با بهای سنگین سدهایی به وجود می‌آید؛ این همه دانش، تجربه و تلاش به کار میرود تا این آب به خانه‌ی ما بیاید؛ بعد در خانه‌ی ما ۲۲ درصد از این آب هدر برود! این فقط مصرف خانگی است؛ مصرف کشت و مصرف صنعت هم یک‌جور دیگر اسرافهایی دارد. آنچه که برحسب بررسی‌ها به عنوان آمار در اختیار ماست، ما مجموعاً بیش از دو برابر مصرف متوسط جهان در انرژی- چه برق، چه حاملهای انرژی- مصرف میکنیم؛ یعنی نفت، گاز، گازوئیل، بنزین. مصرف این چیزها در کشور ما از دو برابر متوسط جهان بیشتر است. خوب، این اسراف است. اسراف نیست؟

شاخصی به نام شاخص شدّت انرژی وجود دارد؛ یعنی نسبت بین انرژی‌ای که مصرف میشود، با کالایی که تولید میشود؛ که هرچه انرژی‌ای که مصرف میشود، کمتر باشد، برای کشور سودمندتر است. در این زمینه

گاهی نسبت به بعضی از کشورهای پیشرفته، مصرف شدت انرژی ما هشت برابر بیشتر است! اینها اسرافهایی است که در جامعه دارد انجام میگیرد.^۱

مصرف‌گرایی؛ از جمله مناسبات اقتصادی غلط

ما میتوانیم توسعه‌ی نمونه و مبتنی بر فرهنگ اسلامی و ملی خود را در این کشور به وجود بیاوریم؛ این یک آرزوی خام و یک خیال واهی نیست. میتوان ایران را به یک کشور پیشرفته تبدیل کرد؛ یعنی همین مسیری را که انقلاب تا امروز پیموده است، با سرعت بیشتر و با جهت‌گیری بهتر و قوی‌تر ادامه داد؛ اما این مشروط به شرط لازم آن است، که عبارت است از تلاش ملی و همه‌جانبه. این تلاش همه‌جانبه و عمومی دارای سه ضلع اساسی است.

... ضلع سوم این است که مناسبات اقتصادی و اجتماعی سلامت پیدا کند؛ این، هم بر عهده‌ی مسئولان است. بر عهده‌ی دولت، قوه‌ی قضائیه و مجلس شورای اسلامی. و هم بر عهده‌ی آحاد مردم است. مناسبات اقتصادی و اجتماعی غلط یعنی چه؟ یعنی رواج قاچاق، رباخواری، مصرف‌گرایی افراطی و گرایش به تفاخر در استفاده از مصنوعات خارجی در مقابل نمونه‌های داخلی آن، که معنایش این است که کارگر ایرانی را به نفع کارگر خارجی بیکار میکند. باید افتخار به استفاده‌ی از مصنوعات داخلی در مردم و مسئولان بیدار شود. در درجه‌ی اول خود مسئولان و دستگاه‌های دولتی و قوای سه‌گانه، و در درجه‌ی بعد آحاد مردم به این نکته توجه کنند و اهمّیت دهند.^۲

۱. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضا(ع) ۱۳۸۸/۱/۱

۲. در اجتماع بزرگ مردم همدان ۱۳۸۳/۴/۱۵

دشمن در انتظار ورود تجمل‌گرایی در زندگی عناصر انقلابی

امروز مهم‌ترین طرح دشمن، «انتظار» است. دشمن منتظر نشسته است تا این میکروب در داخل این کالبد سالم و نیرومند؛ یعنی کالبد نظام اسلامی و جمهوری اسلامی، اثر کند. لذا ما باید مراقب باشیم. امروز آنها منتظرند که فساد در داخل این کشور نفوذ پیدا کند؛ تردید در اذهان جوانان این کشور نفوذ پیدا کند؛ سرگرمی‌های بازدارنده و فاسد، بر آرمانهای بزرگ غلبه پیدا کند؛ دنیاطلبی و اشتغال به مال و زینت دنیا رایج شود و لذت پول و زندگی راحت و تجملاتی، خود را زیر دندان عناصر انقلابی نشان دهد.^۱

ضرورت پرهیز از سوق دادن مردم به سمت مصرف‌گرایی

مصرف‌گرایی برای جامعه بلای بزرگی است. اسراف، روز به روز شکافهای طبقاتی و شکاف بین فقیر و غنی را بیشتر و عمیق‌تر میکند. یکی از چیزهایی که لازم است مردم برای خود وظیفه بدانند، اجتناب از اسراف است. دستگاه‌های مسئول بخشهای مختلف دولتی، بخصوص دستگاه‌های تبلیغاتی و فرهنگی - بویژه صداوسیما - باید وظیفه‌ی خود بدانند مردم را نه فقط به اسراف و مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی سوق ندهند؛ بلکه در جهت عکس، مردم را به سمت قناعت، اکتفا و به اندازه‌ی لازم مصرف کردن و اجتناب از زیاده‌روی و اسراف دعوت کنند و سوق دهند. مصرف‌گرایی، جامعه را از پای درمی‌آورد. جامعه‌ای که مصرف آن از تولیدش بیشتر باشد، در میدانهای مختلف شکست خواهد خورد. ما باید عادت کنیم مصرف خود را تعدیل و کم کنیم و از زیادی‌ها بزنیم.

جوانان اجتماعات خانوادگی تشکیل دهند و کمکهای افراد خانواده را جمع کنند و در درجه‌ی اول به مصرف فقرا و نادارهای همان خانواده و فامیل برسانند و اگر نیازی نبود، به فقرای دیگر رسیدگی کنند.^۲

۱. در دیدار فرماندهان و اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به مناسبت روز پاسدار ۱۳۷۳/۱۰/۱۵

۲. در خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۸۱/۹/۱۵

ضرورت رعایت انضباط اقتصادی و مالی

توصیه‌ی دوّم که آن هم برای جامعه‌ی ما بسیار مهم است، «انضباط اقتصادی و مالی» است. من این را از آحاد ملت و مسئولین کشور و مأمورین دولت، امسال تقاضا دارم. انضباط اقتصادی و مالی یعنی مقابله با ریخت‌وپاش، زیاده‌روی و اسراف. ریخت‌وپاش مالی و زیاده‌روی در خرج کردن و زیاده‌روی در مصرف، به‌هیچ‌وجه صفت خوبی نیست. نه اسمش جود و سخاست و نه کرم و بزرگ‌منشی است. فقط اسمش «بی‌انضباطی اقتصادی و مالی» است. کسانی که بی‌خود خرج میکنند؛ زیادی خرج میکنند و زیادی برای خودشان مصرف میکنند و رعایت موجودی جامعه را از لحاظ امکانات اقتصادی نمیکنند، انسانهایی هستند که از نظر من بی‌انضباط از لحاظ امکانات اقتصادی و مالی هستند. اگر چنین وضعیتی ادامه پیدا کند، این ملت کارش مشکل خواهد شد. به کسانی که بی‌خود خرج میکنند، اگر بگوییم شما چرا این قدر خرج کردید و چرا این میهمانی بی‌خود و بی‌جهت را با این همه ریخت‌وپاش ترتیب دادید؟ میگویند داریم و میکنیم! آیا این دلیل کافی است که داریم و میتوانم خرج کنم؟ نه؛ این دلیل به‌هیچ‌وجه دلیل قانع‌کننده‌ای نیست. باید به قدر نیاز و حاجت، خرج و مصرف کرد. بخصوص کسانی که اموال عمومی را مصرف میکنند. آنها هم مانند کسانی که اموال خودشان را بی‌حساب و کتاب خرج میکنند، مخاطب این مطلبند و نباید زیادی مصرف کنند. بعضی افراد، پولدارند و درآمدی إن شاء الله از راه حلال دارند. آنها که از راه حرام کسب درآمد کنند که وضعشان بدتر است. اینها هم اگر در خرج کردن و وضع زندگی و تجملات بیهوده و بی‌جا و اعیان‌منشی، ریخت‌وپاش و اسراف کنند، بی‌انضباطی مالی و اقتصادی انجام داده‌اند. این کارها اسمش ریخت‌وپاش است و ریخت‌وپاش امری نکوهیده و ناپسند است. این کارها زندگی دیگران را از لحاظ روانی مختل میکند. شما مثلاً مبالغ زیادی مواد خوراکی در فلان مهمانی معمولی مصرف میکنید؛ در حالی که لازم نیست و در کنار شما و در همسایگی

شما در یک محل دورتر، ولو در اقصی نقاط کشور، کسانی به این مواد غذایی برای ادامه‌ی زندگی خود و فرزندان و عزیزانشان نیاز مبرم دارند. آیا این کار در چنین شرایط کارِ درستی است؟ پس در اموال شخصی و مالی که از راه حلال هم به دست آمده باشد، ریخت‌وپاش غلط و خلاف انضباط است. کسانی که اموال دولتی را مصرف میکنند، دیگر بیشتر. من از مسئولین امور میخواهم جدّاً در زمینه‌ی مصرف اموال عمومی، در جاهایی که اولویّت ندارد- ولو ممکن است مورد نیاز هم باشد، اما نیاز درجه‌ی یک نیست- خودداری کنند. آنجایی که امر دایر است بین نیاز با اولویّت و نیاز بی‌اولویّت، خودداری کنید. آنجایی که نیاز نیست و حاجت نیست، حتماً مصرف نشود. آنجایی که حاجت هست، اما حاجت بالاتری نیز هست آنجا هم مصرف نشود و این امکان مالی در حاجت برتر و بالاتر مصرف گردد. این هم توصیه‌ی امسال من است و امیدوارم باز مسئولین کشور نسبت به این قضیه اهتمام ورزند. به تعبیر دیگر مسئولین فرهنگی، اهتمام فرهنگی و مسئولین اقتصادی و اداری و دولتی و اجرایی، اهتمام اجرایی ورزند.^۱

مخالفت با رواج افراطی تجمل‌گرایی

من با تظاهر به تجمل و تجمل‌گرایی در حد معتدل کم ناگزیرم مخالفتی نمیکنم؛ لیکن اگر بنا شد که روند افراطی پیدا کند، چیز بسیار مزخرفی است. در لباس، در آرایش، در زروزیورها و طلا و جواهرات، خانمها بایستی خیلی اهمیّت بدهند که امساک بشود و بی‌اعتنایی به این چیزها انجام بگیرد، تا شاید إن شاء الله به درخشندگی‌ها و زیبایی‌های واقعی‌تر بیشتر توجه بشود، تا به این زیبایی‌های ظاهری.^۲

۱. پیام نوروزی به مناسبت حلول سال نو ۱۳۷۴/۱/۱

۲. در دیدار با اعضای شورای فرهنگی-اجتماعی زنان، جمعی از زنان پزشک متخصص و مسئولان اولین کنگره‌ی حجاب اسلامی، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) ۱۳۷۰/۱۰/۴

بی‌اعتنایی به تجملات؛ شاخصه‌ی زن مسلمان

زن مسلمان باید در راه فرزاندگی و علم تلاش کند؛ در راه خودسازی معنوی و اخلاقی تلاش کند؛ در میدان جهاد و مبارزه از هر نوع جهاد و مبارزه‌ای پیشقدم باشد؛ نسبت به زخارف دنیا و تجملات کم‌ارزش، بی‌اعتنا باشد.^۱

ب) عوامل ایجاد روحیه‌ی تجمل‌گرایی مصرف‌گرایی؛ از جمله میراث‌های گذشته

روش اسلامی تبیین است و همین تبیینها موجب شد که انقلاب اسلامی بر بسیاری از این پیش‌زمینه‌های تاریخی و تربیتهای غلط فائق بیاید و فائق آمد. البته در بعضی‌اش هم هنوز فائق نیامدیم، که آن انگیزه‌های دیگری دارد. مثل این مصرف‌گرایی و اسراف و این چیزها که حالا گفتند. این جزو میراث‌های ما از گذشته است و متأسفانه این میراث را نگه داشتیم. ما ملت ایران باید این جامه‌ی ناسازبی‌اندام زشت را از تنمان بیرون بیاوریم. ما خیلی مصرف‌زده هستیم؛ باید این را حلش کنیم. همه باید دست به دست هم بدهند و این قضیه را حل کنند. البته صداوسیما هم بلاشک نقش دارد. خوب، اینها عوامل درونی بود.^۲

ترویج تجمل‌گرایی از اهداف دشمنان از تهاجم فرهنگی

بتی که بسیاری از مردم جهان و از جمله بسیاری از مسلمین، امروز به جبر و تحمیل، به عبادت و اطاعت از آن وادار میشوند، بت قدرت امریکا است که همه‌ی شئون فرهنگی و سیاسی و اقتصادی مسلمین را در قبضه گرفته و ملتها را خواه و ناخواه در جهت منافع و اغراض خود که نقطه‌ی مقابل مصالح مسلمین است حرکت میدهد. عبادت، همین اطاعت بی‌چون

۱. در دیدار گروهی از زنان، به مناسبت میلاد حضرت زهرا(س) و روز زن ۱۳۷۱/۹/۲۵

۲. در دیدار استادان و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز ۱۳۸۷/۲/۱۴

و چراست که امروز در برابر خواست استکبار و در رأس آن امریکا، بر ملت‌ها تحمیل میشود و آنان با شیوه‌های گوناگون، به سمت آن سوق داده میشوند.

فرهنگ فساد و فحشا که به وسیله‌ی دست‌های استعماری در میان ملت‌ها ترویج میشود، فرهنگ مصرف‌زدگی که روز به روز زندگی ملت‌های ما را بیشتر در لجنزار خود فرومیبرد، تا کمپانی‌های غربی که مغز و قلب اردوگاه استکبارند بیشتر سود ببرند؛ سلطه‌ی سیاسی غرب استکباری که پایه‌های آن به وسیله‌ی حکومت‌های دست‌نشانده و ضدّ مردمی کار گذاشته شده است، حضور نظامی که با هر بهانه‌ای شکل آشکارتری به خود میگیرد، اینها و امثال آن، همه مظاهر همان شرک و بت‌پرستی است که در ضدّیت کامل با نظام توحیدی و حیات توحیدی است که اسلام برای مسلمانان مقرر داشته است.^۱

اگر دشمن بتواند ملت ما را به ملّتی که اعتقادی به مبارزه ندارد، امیدی به پیروزی ندارد، زهدی نسبت به جلوه‌های شهوانی و مادی ندارد، تبدیل کند، پیروز شده است. اینجاست که مبارزه‌ی فرهنگی، مبارزه‌ی واجب‌تر از واجب میشود.^۲

تشدید مصرف‌گرایی با ورود فرهنگ غرب

به نظر من، آن چیزی که امروز مجموعه‌ی شما^۳ و هر مجموعه‌ای از زنان که در شکل‌ها و با هدف‌های مختلف کار میکنند بر عهده دارند، این است که باور غلطی را که فرهنگ غربی و اروپایی در این ده‌ها سال اخیر در ذهن زن ایرانی وارد کرده است، بزداید. البته باور غلطی هم در گذشته بوده است؛ یعنی گرایش به برخی از شکل‌های غلط مصرف و تجمل، از

۱. پیام به حجّاج بیت‌الله الحرام ۱۳۷۰/۳/۲۶

۲. در دیدار کارگران و فرهنگیان کشور، به مناسبت روز کارگر و روز معلّم ۱۳۷۲/۲/۱۵

۳. شورای فرهنگی-اجتماعی زنان

گذشته هم وجود داشته است. با ورود فرهنگ اروپایی، این مدگرایی و نوگرایی در مصرف، به شکل عجیبی تشدید شد. این، محاسبه‌شده و پیش‌بینی شده بود. سردمداران سیاستهای غربی که غالباً صهیونیستها و استعمارگران بودند به قصدی و با نیتی این کار را کردند. این باورهای غلط را باید بزدايید؛ و این نمیشود، مگر با ارائه‌ی بحثها و کارهای اسلامی. اگر این کار بشود، ریشه‌ی این مشکلاتی که گاهی اوقات مطرح میشود بدحجابی و رواج فساد و فحشا و این چیزها به‌خودی‌خود کنده خواهد شد. اینها غالباً معلولند؛ علل، همان باورها و فرهنگها هستند که باید روی آنها کار بشود.^۱

تجمل در جامعه؛ انعکاس تجمل در زندگی مسئولان

برادران و خواهران! هر جا هستید و در هر مسئولیتی قرار دارید، باید مراقب باشید. یک رفتار شما، یک گفتار شما، یک حرکت شما میتواند تأثیر ماندگار بگذارد؛ میتواند تأثیرهای وسیعی در زندگی مردم بگذارد. سالهاست که بنده درباره‌ی زندگی تشریفاتی مکرر تذکر میدهم. این دو جنبه دارد: یک جنبه از لحاظ اصل پابندی به تجملات و تشریفات است که این بد و دون شأن انسان والاست؛ یعنی یک‌وقت انسان به یک چیز غیر لازم پایبند میشود که دون شأن انسان است؛ بعلاوه، مسرفانه است؛ تزیین سرمایه‌ها، تزیین اموال و تزیین موجودی‌ها در آن هست. این یک بعد قضیه است که اصل اسراف بد است؛ اصل تجمل همراه با اسراف و همراه با زیاده‌روی است و بد است؛ لیکن جنبه‌ی دومی دارد که اهمیتش کمتر از جنبه‌ی اول نیست و آن انعکاس تجمل شما در زندگی مردم است. بعضی‌ها از این غفلت میکنند. وقتی شما جلو چشم مردم، وضع اتاق و دفتر و محیط کار و محیط زندگی را آن‌چنانی میکنید، این یک درس عملی

۱. در دیدار با اعضای شورای فرهنگی-اجتماعی زنان ۱۶/۱۰/۱۳۶۹

است و هرکسی این را میبیند، بر او اثر میگذارد. حداقل این را باید رعایت کرد.^۱

ضرر دنیازدگی مسئولان

پنج، شش سال پیش از این، در پیامی به انجمن اسلامی دانشجویان- چون آن روز چیزهایی را حس میکردم- به این نکته تصریح کردم و گفتم بعضی افراد باید مواظب باشند اسیر چرب و شیرین دنیا نشوند. کسی که برای خود مسئولیتی قائل است، اگر دنیازده و رفاه‌زده شد، کارش زار خواهد شد و کار مردم را هم زار خواهد کرد.^۲

سازندگی؛ توجیهی برای دنیاپرستی

سازندگی، کاری بود که علی بن ابی طالب (علیه السلام) داشت؛ که حتی شاید در دوران خلافت هم - که حالا من این را تردید دارم- اما تا قبل از خلافت، قطعی است با دست خود نخلستان آباد میکرد؛ زمین احیا میکرد؛ درخت میکاشت؛ چاه میکند و آبیاری میکرد. این، سازندگی است! دنیاطلبی و مادی‌طلبی، کاری است که عبیدالله زیاد و یزید میکردند. آنها چه وقت چیزی را به وجود می‌آوردند و می‌ساختند؟! آنها فانی میکردند؛ آنها میخوردند؛ آنها تجملات را زیاد میکردند. این دو را باهم اشتباه نباید کرد. امروز عده‌ای به اسم سازندگی خودشان را غرق در پول و دنیا و ماده‌پرستی میکنند. این سازندگی است؟! آنچه که جامعه‌ی ما را فاسد میکند، غرق شدن در شهوات است؛ از دست دادن روح تقوا و فداکاری است.^۳

۱. در دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۸/۱۰/۴

۲. در دیدار جوانان استان اصفهان ۱۳۸۰/۸/۱۲

۳. در دیدار فرماندهان گردانها، گروهانها و دسته‌های عاشورای نیروهای مقاومت بسیج سراسر

کشور، در سالروز شهادت امام سجاد(ع) ۱۳۷۱/۴/۲۲

خطر گرایش به تجمل؛ در دوران بازسازی

آن چیزی که من می‌خواهم به مسئولان و به مردم عرض کنم، این نکته است که در دوران بازسازی، خطر دنیاطلبی بیشتر از همیشه است. در دوران بازسازی، ثروتها انباشته میشود؛ چون دوران بازسازی، دوران تراکم کارها، دوران انباشت ثروتها، دوران افزایش فعالیت‌های اقتصادی و دورانی است که اگر کسی میتواند تلاشی بکند و حرکتی اقتصادی بکند، راه برای او باز است. در چنین دورانی، آدمهایی که اهل دنیا هستند، آدمهایی که دلشان در بند زخارف دنیوی است، آدمهایی که منافع شخصی خود را بر منافع کشور و ملت و مصالح انقلاب ترجیح میدهند، دستشان باز است، برای این که بتوانند خدای نکرده به سمت اشرافی‌گری و زراندوزی و جمع مال و منال و سوءاستفاده بروند. دوران بازسازی، دوران شکوفایی و پیشرفت ملت و دوران ساختن کشور است. اما در همین حال، این دوران، دوران خطر گرایش آدمهای ضعیف به سمت اشرافی‌گری و تجمل و انباشت ثروت و سوءاستفاده‌ی اقتصادی است. لذا همه باید خیلی مراقب باشند؛ هم مسئولان و هم آحاد مردم.^۱

یکی از ضعفهای جامعه؛ حرص به متاع دنیا

ما امروز متأسفانه دچار اسراف و مصرف‌زدگی هستیم. من بارها این را عرض کرده‌ام، باز هم عرض میکنم؛ این خطر است در راه ما. مصرف‌زدگی را باید کم کنیم، حرص به متاع و کالای دنیا را باید کم کنیم. تا یک شایعه‌ای درست میشود که فلان چیز کم است، مردم هجوم می‌آورند برای اینکه بیشتر آن را جمع کنند، که نبادا دچار کمبود آن شوند؛ در حالی که آن شیء ممکن است جزو چیزهای لازم زندگی هم نباشد. خوب، اگر آن جنس کم هم نیست، همین هجوم مردم آن را کم میکند. ما به این مسئله توجه نمی‌کنیم. این یکی از ضعفهای ماست؛ ما این ضعف را باید برطرف کنیم.^۲

۱. در اجتماع بزرگ مردم در صحن امام خمینی(ره) مشهد مقدس ۱۳۷۶/۱/۱

۲. در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

تبلیغ مصرف‌گرایی؛ از جمله تبلیغات ننگین رسانه‌ها در رژیم گذشته
از تبلیغات ننگین رژیم گذشته که به وسیله‌ی صداوسیما و مطبوعات در جامعه گسترش و عمق پیدا کرده بود: یکی در باب اسراف و فرهنگ مصرف‌گرایی بود و دیگری در باب فساد و فحشای جنسی.^۱

مُدگرایی؛ از بزرگ‌ترین عوامل انحراف جامعه و زنان

به اعتقاد من، گرایش به سمت مدگرایی و تجمل‌گرایی و تازه‌طلبی و افراط در کار آرایش و نمایش در مقابل مردان، یکی از بزرگ‌ترین عوامل انحراف جامعه و انحراف زنان ماست. در مقابل اینها، خانمها بایستی مقاومت کنند.

آنها برای اینکه از زن، آن‌چنان موجودی به وجود بیاورند که مورد نظر خودشان است، محتاج این هستند که دائماً مد درست کنند و چشمها و دلها و ذهنها را به همین چیزهای ظاهری و کوتاه‌نظرانه مشغول کنند. کسی که به این چیزها مشغول شد، کی به ارزشهای واقعی خواهد رسید؟ مجال پیدا نمیکند برسد. زنی که در فکر باشد از خود وسیله‌ای برای جلب نظر مردان بسازد، کی فرصت این را پیدا خواهد کرد که به طهارت اخلاقی فکر کند و بیندیشد؟ مگر چنین چیزی ممکن است؟ آنها این را میخواهند.^۲

بزرگ‌ترین ستم در حق زنان

چه ستمهایی که در حق زن روا داشته شده و اسمش ستم است و چه ستمهایی که اسمش هم ستم نیست، اما در حقیقت ستم است؛ مثل همین سوق دادن به تجمل و مصرف‌گرایی و آرایشهای بیهوده و مخارج سنگین و تبدیل شدن به یک وسیله‌ی مصرف. این، ستم بزرگی بر زن است. شاید

۱. در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۶۵/۹/۱۴

۲. در دیدار با جمع کثیری از پرستاران، به مناسبت میلاد حضرت زینب کبری(س) و روز پرستار

۱۳۷۰/۸/۲۲

بشود گفت که هیچ ظلمی بالاتر از این نیست؛ زیرا که او را بکلی از آرمانها و اهداف تکاملی خودش غافل و منصرف میکند و به چیزهای خیلی کوچک و حقیر سرگرم مینماید. این، کاری بوده که در رژیم پادشاهی انجام شده، و حالا باید جلوی آن گرفته میشد. البته در اوایل انقلاب، خیلی هم خوب بود؛ لیکن بعدها باز غفلتهایی شده است، که باید نسبت به آن، حسابی برنامه‌ریزی کرد.^۱

انحطاط زنان با گرفتار شدن به مدیرستی

این زیبایی و زیباسازی، بایستی موجب این نشود که در جامعه انحطاط و فساد به وجود آید؛ یعنی ابتدال اخلاقی نباید به وجود آید. چگونه؟ راه‌های مشخص است. اگر ارتباط بی‌قید و شرط و بی‌بندوباری در روابط زن و مرد وجود داشته باشد، این موجب فساد خواهد شد. اگر به صورت افراطی به شکل مُدپرستی درآید، این به فساد خواهد انجامید. اگر این مقوله‌ی زیباسازی و رسیدن به سر و وضع و لباس و امثال اینها، مشغله‌ی اصلی زندگی شود، انحراف و انحطاط است؛ مثل اینکه در دوره‌ی طاغوت، آن خانمهای اعیان و اشراف، پشت میز آرایش مینشستند. فکر میکنید چند ساعت مینشستند؟ شش ساعت! این واقعیت دارد و ما خبرهای دقیق داشتیم که شش ساعت مینشستند! یک انسان، این مدت برای آرایش صرف وقت کند که میخواهد مثلاً به عروسی برود و موی سرش را، یا صورتش را این‌طوری درست کند! اگر کار به این شکل درآید، انحراف و انحطاط است؛ اما فی‌نفسه، رسیدن به سر و وضع و لباس، بدون اینکه در آن خودنمایی و تبرج باشد، عیبی ندارد.^۲

۱. در دیدار با اعضای شورای فرهنگی-اجتماعی زنان ۱۳۶۹/۱۰/۱۶

۲. در دیدار جمعی از جوانان به مناسبت هفته‌ی جوان ۱۳۷۷/۲/۷

خطر گرایش به تجمل در میان زنان

این گرایش به تجمل‌گرایی که مدتها بود در جامعه‌ی ما یواش‌یواش کم شده بود، یا در اوایل انقلاب مثلاً خانمها به تجملات و زروزیورها اعتنایی نمی‌کردند، متأسفانه باز این چیزها آن‌طور که شنیده میشود در جامعه‌ی ما دارد رشد میکند. زنان اندیشمند و با فکر و با معرفت جامعه‌ی ما باید این را خطر بدانند. نباید زنان به سمت تجمل‌گرایی سوق پیدا کنند. البته این خطر برای مردان هم هست؛ منتها در زنان بیشتر و امکانش زیادتر است. وانگهی در این قضیه، در موارد بسیاری، مردان تحت تأثیر زنانشان قرار می‌گیرند. شماها واقعاً باید با این قضیه مبارزه کنید؛ خودتان هم مراقبت نمایید.^۱

ج) پیامدها

لزوم تبیین ضررهای مصرف‌گرایی برای مردم

امروز در جامعه‌ی ما فقر وجود دارد. وظیفه‌ی ما به عنوان نظام اسلامی، ریشه‌کن کردن فقر در جامعه است. نباید در جامعه محرومیت باشد. این تکلیف ماست به عنوان دولت، به عنوان نظام اسلامی، به عنوان آحاد مردم. «کَلِمَ رَاعٍ وَكَلِمَ مَسْئُولٍ عَنِ رَعِيَّتِهِ»^۲؛ این وظیفه‌ی همه است. هرکدام به نحوی تجمل و اسراف و زیاده‌روی را کم کنیم. این درس ماه رمضان است. این کار، همت و گذشت و بصیرت و آگاهی میخواهد. از خدای متعال کمک بخواهیم.^۳

ارزشهای اسلامی؛ تحت‌الشعاع تجملات

این مهریه‌های گرانیقیمت که برای عقدهای دخترهایشان می‌گذارند،

۱. در دیدار با اعضای شورای فرهنگی-اجتماعی زنان، جمعی از زنان پزشک متخصص و مسئولان

اولین کنگره‌ی حجاب اسلامی، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) ۱۳۷۰/۱۰/۴

۲. بحار الانوار(ط - بیروت)، ج ۷۲، ص ۳۸

۳. در خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۸۱/۹/۱۵

خطاست. نمیگویم حرام است، اما پدیده‌ی بد و زشتی در جامعه است؛ زیرا ارزشهای انسانی را تحت الشعاع ارزش طلا و پول قرار میدهد. در محیط و جامعه‌ی اسلامی، قضیه این نیست. همین کار حلال را پیامبر نکرد. بعضی میگویند پیامبر حلال کرده، اما شما حرام میکنید؟! نه، ما هم حرام نمیکنیم. پیامبر نخواست که محدود کند؛ محدود هم نکرده است. شما برو، هر چه میخواهی بکن. اصلاً همه‌ی زندگی‌ات را روی هم بگذار و جهیزیه‌ی دخترت بکن، یا مهر عروست بکن. بحث سر این است که این کار، صحیح و عاقلانه و منطبق بر خواست و مصلحت اسلامی نیست. پیامبر، دختر خودش را؛ امیرالمؤمنین، دختران خودش را؛ و خانواده‌ی پیامبر، با همان بیست و پنج اوقیه^۱ متقال نقره‌ای که در آن زمان بوده به خانه‌ی بخت فرستادند. دو، سه سال قبل که حساب کردیم، این میزان نقره، تقریباً در حد دوازده هزار تومان فعلی میشود.

این وضع زندگی‌های تجمل‌آمیز، این روز به روز افزودن بر ظواهر تجملاتی، در زندگی‌های شخصی غلط است. گاهی اوقات ممکن است لازم باشد مظاهر عمومی مثل یک خیابان یا یک میدان را خیلی هم قشنگ و زیبا درست بکنند؛ آن محل بحث نیست؛ بحث سر شخص من و شماست.^۲

مصرف‌گرایی؛ مضر به فضای معنوی

اینی که من هر سال این را تأکید میکنم به دست‌اندرکاران حج و توصیه میکنم به برادران و خواهران حاجی، برای این است. یک هوس کم‌اهمیت و حقیر، کل آن فضای معنوی را ممکن است تحت تأثیر قرار دهد. ما که مردم را دعوت به زهد اباذری که نکردیم؛ ماها که کوچک‌تر از آن هستیم

۱. معادل هفت متقال

۲. در دیدار با اقاشر مختلف مردم در روز بیست و نهم ماه مبارک رمضان ۱۳۷۰/۱/۲۶

که فکر آن‌جور زهدی را بکنیم؛ ما دعوت میکنیم خودمان را و مردم را به زیاده‌روی نکردن در این امور. ما زیاده‌روی میکنیم در مصرف کردن، در دل سپردن، در اهمّیت دادن، در دنبال کردن؛ این زیاده‌روی‌ها ضرر میزند به فضای معنوی.^۱

ضرر رواج فرهنگ تجمل‌گرایی برای بدنه‌ی جوان کشور

رواج فرهنگ اسراف و تجمل‌گرایی در جامعه، رشد یا عدم توقّف میل به خشونت در برخی از بدنه‌ی جوان کشور، مضر است.^۲

ناسازگاری روحیه‌ی همدلی با روحیه‌ی تجمل‌گرایی

فضا را، فضای تجملاتی و تجمل‌گرایی و عادت کردن به تجمل قرار ندهیم؛ چون امروز اگر این روحیه‌ی تجمل‌گرایی در جامعه‌ی ما رواج پیدا کند که متأسفانه تا میزان زیادی هم رواج پیدا کرده است بسیاری از مشکلات اقتصادی و اجتماعی و اخلاقی کشور اصلاً حل نخواهد شد. تجمل‌گرایی و گرایش به اشرافیگری در زندگی، ضررها و خطرهای زیادی دارد: هیچ‌وقت عدالت اجتماعی تأمین نخواهد شد؛ هیچ‌وقت روحیه‌ی برادری و الفت و انس و همدلی که برای همه‌ی کشورها و همه‌ی جوامع، بخصوص جامعه‌ی ما، مثل آب و هوا لازم است پیش نخواهد آمد. این همان تأثیر حرف و اقدام و عملکرد من و شما در روحیه‌ی مردم است. این اهمّیت تقوای ما را این‌قدر زیاد میکند. اینکه من در این اواخر، مکرّر به همدلی مسئولان با یکدیگر توصیه کرده‌ام، برای این است که جریانها و خطوط و دنباله‌هایشان بدانند که این حرفهایی که بین آنهاست، بین مسئولان نیست. مسئولان هم اختلاف سلیقه دارند نه اینکه ندارند، اما

۱. در دیدار با کارگزاران فرهنگی و اجرایی حج ۱۳۸۶/۸/۲۳

۲. در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۰/۵/۱۶

اختلاف سلیقه یک مسئله است و اختلاف سلیقه را برای کشمکش بهانه قرار دادن، یک حرف دیگر است. این دوّمی زندگی را بر مردم تلخ میکند.^۱

تجمل‌گرایی مسئولان؛ از علل حل نشدن بخشی از مشکلات

ما مسئولان باید روح اسلامی را در خود زنده نگه داریم؛ روح اشرافیگری را دور بیندازیم و رشته‌ی سودجویی و ثروت‌طلبی و دنبال منافع شخصی دیدن و تجمل‌پرستی و امثال اینها را از دست و پای خود باز کنیم. اگر گرفتاری‌های ما در بخشی حل نشده است، علتش اینهاست؛ اینها را باید اصلاح کنیم.^۲

مصرف‌گرایی؛ مانع از صرف پول در راه رضای خدا

به همسایه‌ها و فقرا رسیدگی کنید. یکی از عواملی که نمیگذارد دست کسانی که توانایی کمک دارند، به یاری فقرا دراز شود، روحیه‌ی مصرف‌گرایی و تجمل در جامعه است. برای جامعه بلای بزرگی است که میل به مصرف، روز به روز در آن زیاد شود و همه به بیشتر مصرف کردن، بیشتر خوردن، متنوع‌تر خوردن، متنوع‌تر پوشیدن و دنبال نشانه‌های مُد و هر چیز تازه برای وسایل زندگی و تجملات آن رفتن، تشویق شوند. چه ثروتها و پولهایی که در این راه‌ها هدر می‌رود و از مصرف شدن در جایی که موجب رضای خدا و رفع مشکلات جمعی از مردم است، بازماند.^۳

تجملات؛ عامل هدر رفتن بیت‌المال

اولویّت دادن به مناطق مستضعف‌نشین، تأثیرناپذیری از نفوذ ثروتمندان و جاذبه‌ی ثروت، رعایت دقیق قوانین و عدم تخطی از آن با حیل‌های

۱. در دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۸/۱۰/۴

۲. در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت سالروز آزادی خرمشهر ۱۳۸۱/۳/۱

۳. در خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۸۱/۹/۱۵

شبه قانونی، رعایت ویژه‌ی محرومان، آلوده نشدن به اسراف و هدر ندادن بیت‌المال با تجملات زائد و سفرها و مراسم غیرلازم و در یک‌کلمه رعایت تقوا و تدبیر و پشتکار و بهره‌گیری از دانش و تجربه، مواد عمده‌ی توصیه‌ی نخست این‌جانب است.^۱

نقش اسراف در آسیب‌پذیر شدن کشور

ما مردم مسرفی هستیم؛ ما اسراف می‌کنیم؛ اسراف در آب، اسراف در نان، اسراف در وسایل گوناگون و تنقلات، اسراف در بنزین. کشوری که تولیدکننده‌ی نفت است، واردکننده‌ی فرآورده‌ی نفت- بنزین- است! این تعجب‌آور نیست؟! هر سال میلیاردها بدهیم بنزین وارد کنیم یا چیزهای دیگری وارد کنیم برای اینکه بخشی از جمعیت و ملت ما دلشان می‌خواهد ریخت و پاش کنند! این درست است؟! ما ملت، به عنوان یک عیب‌مَلّی به این نگاه کنیم. اسراف بد است؛ حتی در انفاق راه خدا هم می‌گویند. خدای متعال در قرآن به پیغمبرش می‌فرماید: «لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ»؛^۲ در انفاق برای خدا هم این‌جوری عمل کن. افراط و تفریط نکنید. میانه‌روی؛ میانه‌روی در خرج کردن. این را باید ما به صورت یک فرهنگ ملّی در بیاوریم. قرآن می‌فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا»؛ کسانی که وقتی می‌خواهند خرج کنند، «لَمْ يَسْرِفُوا وَلَهُمْ يَاقْتَرُوا»؛^۳ نه اسراف می‌کنند- زیاده‌روی می‌کنند- نه تنگ می‌گیرند و با فشار بر خودشان، زندگی می‌کنند؛ نه، اسلام این را هم توصیه نمی‌کند. اسلام نمی‌گوید که مردم بایستی با ریاضت و زهد آن‌چنانی زندگی کنند؛ نه، معمولی زندگی کنند، متوسط زندگی کنند. اینکه می‌بینید بعضی از فضولهای خارجی، دولتهای خارجی، دائم و دم‌به‌ساعت، چندین سال است که ملت ما را تهدید می‌کنند که تحریم می‌کنیم، تحریم

۱. پیام به شوراهاى اسلامى شهر و روستا ۱۳۸۲/۲/۵

۲. سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۲۹

۳. سوره‌ی فرقان، آیه‌ی ۶۷

میکنیم، تحریم میکنیم- بارها هم تحریم کرده‌اند- به خاطر این است که چشم امیدشان به همین خصوصیت منفی ماست. ما اگر آدمهای اهل اسراف و ولنگاری در خرج باشیم، ممکن است تحریم برای آدم مسرف و ولنگار سخت تمام بشود؛ اما ملتی که نه، حساب کار خودش را دارد، حساب دخل و خرج خود را دارد، حساب مصلحت خود را دارد، زیاده‌روی نمی‌کند، اسراف نمی‌کند. خوب، تحریم کنند. بر یک چنین ملتی از تحریم ضرری وارد نمیشود.^۱

به مذبج بردن صاحبان فضائل؛ با ترویج تجملات

وقتی مثل امامی بر سر کار آمد، یعنی ورق برگشت؛ شهوترانی و دنیاطلبی به انزوا رفت، وابستگی و فساد به انزوا رفت، تقوا بالای کار آمد، زهد روی کار آمد، صفا و نورانیت آمد، جهاد آمد، دلسوزی برای انسانها آمد، رحم و مروّت و برادری و ایثار و از خودگذشتگی آمد. امام که بر سر کار می‌آید، یعنی این خصلتها می‌آید؛ یعنی این فضیلتها می‌آید؛ یعنی این ارزشها مطرح میشود. اگر این ارزشها را نگه داشتید، نظام امامت باقی میماند. آن وقت امثال حسین بن علی (علیه‌السلام)، دیگر به مذبج برده نمیشوند. اما اگر اینها را از دست دادیم چه؟ اگر روحیه‌ی بسیجی را از دست دادیم چه؟ اگر به جای توجّه به تکلیف و وظیفه و آرمان الهی، به فکر تجملات شخصی خودمان افتادیم چه؟ اگر جوان بسیجی را، جوان مؤمن را، جوان بااخلاص را که هیچ چیز نمیخواهد جز اینکه میدانی باشد که در راه خدا مجاهدت کند در انزوا انداختیم و آن آدم پرروی افزون‌خواه پرتوقع بی‌صفای بی‌معنویت را مسلط کردیم چه؟ آن وقت همه چیز دگرگون خواهد شد. اگر در صدر اسلام فاصله‌ی بین رحلت نبی اکرم (صلوات‌الله‌وسلامه‌علیه) و شهادت جگر گوشه‌اش پنجاه سال شد، در روزگار ما، این فاصله، خیلی کوتاه‌تر ممکن است بشود و زودتر از این حرفها،

۱. در خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۱۳۸۶/۷/۲۱

فضیلتها و صاحبان فضایل ما به مذبح بروند. باید نگذاریم. باید در مقابل انحرافی که ممکن است دشمن بر ما تحمیل کند، بایستیم. پس، عبرت‌گیری از عاشورا این است که نگذاریم روح انقلاب در جامعه منزوی و فرزند انقلاب گوشه‌گیر شود. عده‌ای مسائل را اشتباه گرفته‌اند. امروز بحمدالله مسئولین دلسوز و علاقه‌مند و رئیس‌جمهور انقلابی و مؤمن بر سر کارند و کشور را میخواهند بسازند. اما عده‌ای، سازندگی را با مادی‌گرایی، اشتباه گرفته‌اند. سازندگی چیزی است، مادیگری چیز دیگری است. سازندگی یعنی کشور آباد شود و طبقات محروم به نوایی برسند.^۲

رفتن به سوی تجملات؛ مانع از انقلابی ماندن

آن کسانی که از راه انقلاب و مسیر انقلاب باز میمانند، لزوماً کسانی نیستند که از اول، کمر دشمنی با انقلاب بسته‌اند. وقتی که انگیزه‌ی مادی بر انسان غلبه کرد، در راه میماند؛ وقتی هدفهای کوچک و حقیر شخصی: رسیدن به مال و منال، رسیدن به تجملات، رسیدن به ریاست، رسیدن به قدرت، برای انسان شد هدف، هدف اصلی از یاد می‌رود.^۳

تزلزل عزم سپاهیان با رفاه‌زدگی

تجمل و رفاه‌زدگی و عشرت‌طلبی که بحمدالله ساحت سپاه از آن دور است به هیچ بهانه در این مجموعه‌ی پاک‌نهاد نباید نفوذ کند و وسوسه‌ها نباید عزم شما مردان حق‌طلب را متزلزل سازد.^۴

۱. حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی

۲. در دیدار فرماندهان گردانها، گروهانها و دسته‌های عاشورای نیروهای مقاومت بسیج سراسر کشور، در سالروز شهادت امام سجاد(ع) ۱۳۷۱/۴/۲۲

۳. در دیدار جهادگران بسیج سازندگی ۱۳۸۹/۶/۳۱

۴. پیام به چهارمین مجمع بزرگ فرماندهان و مسئولان دفاتر نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران

انقلاب اسلامی ۱۳۷۰/۶/۲۵

تجمل‌پرستی؛ سبب ایجاد یک طبقه‌ی اشراف

امروز متأسفانه همان‌طور که این جوانها گفتند، مصرف‌گرایی و مسابقه‌ی تجمل‌پرستی و مسابقه‌ی پول درآوردن و تلاش برای پول کردن، یک طبقه‌ی جدیدی درست کرده. نظام اسلامی با تولید ثروت مخالف نیست، با ایجاد ثروت مخالف نیست، بلکه مشوق اوست. اگر تولید نباشد، اگر ایجاد ثروت نباشد، حیات و بقای جامعه به خطر خواهد افتاد، اقتدار لازم را جامعه به دست نخواهد آورد؛ این یک اصل اسلامی است. اما اینی که آحاد مردم دلشان لک بزند برای مسابقه‌ی اشرافیگری، برای تجمل‌پرستی، این یک چیز بسیار نامطلوب است؛ این چیزی است که متأسفانه در درون ما هست؛ همان‌طور که قبلاً هم گفته‌ام: اشراف و مصرف‌گرایی افراطی.^۱

وابستگی کشور با کالاهای تجملاتی

این نکته را، هم اروپایی‌ها و هم دیگران بدانند. اروپا خیال نکند که ما به او احتیاج داریم؛ ابتدا، ما به اروپا هیچ احتیاجی نداریم. ما کشور خودمان را میتوانیم بدون اروپا هم اداره کنیم. حالا فرض کنید، اگر چهار قلم کالای لوکس و تجملاتی از فلان‌جا می‌آید، نیاید؛ چه اهمیتی دارد. آنچه که مورد نیاز ملت ماست، در داخل تولید میشود و اگر هم چیزی باشد که ما لازم داشته باشیم، خیلی از کشورها هستند که صف کشیده‌اند تا به ما بفروشند.^۲

اشراف؛ تکمیل‌کننده‌ی ضربه‌ی اقتصادی دشمن

ببینید اشراف چه کار میکند! اشراف در نان، اشراف در آب، اشراف در برق، اشراف در مصالح ساختمانی، اشراف در انواع و اقسام کالاهای گوناگون، اشراف در اسباب‌بازی بچه و در وسایل تجملاتی! عزیزان من! این اشراف همان کاری را با کشور میکند که دشمن میخواهد! او از آن

۱. در دیدار استادان و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز ۱۳۸۷/۲/۱۴

۲. در دیدار جمع کثیری از کارگران و معلمان در آستانه‌ی روز کارگر و روز معلم ۱۳۷۶/۲/۱۰

طرف به وسیله‌ی نفت، به وسیله‌ی تحریم اقتصادی و انواع و اقسام ضربه‌ها بر ملت ایران ضربه وارد میکند؛ از این طرف هم خود ما با اسراف و صرفه‌جویی نکردن، ضربه‌ی او را تکمیل می‌کنیم! حرف من این است.^۱

لطمه‌های رویکرد مصرف‌بیشتر از تولید

ما باید اعتراف کنیم به این مسئله. عاداتهای ما، سنتهای ما، روشهای غلطی که از این و آن یاد گرفته‌ایم، ما را سوق داده است به زیاده‌روی در مصرف به نحو اسراف. یک نسبتی باید در جامعه میان تولید و مصرف وجود داشته باشد؛ یک نسبت شایسته‌ای به سود تولید؛ یعنی تولید جامعه همیشه باید بر مصرف جامعه افزایش داشته باشد. جامعه از تولید موجود کشور استفاده کند؛ آنچه که زیادی هست، صرف اعتلای کشور شود. امروز در کشور ما این‌جوری نیست. مصرف ما به نسبت، از تولیدمان بیشتر است؛ این، کشور را به عقب می‌رساند؛ این، ضررهای مهم اقتصادی بر ما وارد میکند؛ جامعه دچار مشکلات اقتصادی میشود. در آیات شریفه‌ی قرآن بارها راجع به پرهیز از اسراف در امور اقتصادی تأکید شده؛ این به خاطر همین است. اسراف، هم لطمه‌ی اقتصادی میزند، هم لطمه‌ی فرهنگی میزند. وقتی جامعه‌ای دچار بیماری اسراف شد، از لحاظ فرهنگی هم بر روی او تأثیرهای منفی میگذارد. بنابراین مسئله‌ی صرفه‌جویی و اجتناب از اسراف، فقط یک مسئله‌ی اقتصادی نیست؛ هم اقتصادی است، هم اجتماعی است، هم فرهنگی است؛ آینده‌ی کشور را تهدید میکند.^۲

آثار سوء روانی، اخلاقی و اجتماعی مصرف‌گرایی

من بخصوص توصیه میکنم که مردم از اسراف، چه در ایام عید و

۱. در صحن مطهر حضرت رضا(ع) ۱۳۷۷/۱/۱

۲. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضا(ع) ۱۳۸۸/۱/۱

چه در طول سال آینده و بویژه در مراسمی که معمولاً در آنها دچار اسراف میشوند، خودداری کنند. مصرف بی‌رویه و زیاد، قاعدتاً از سوی قشرهای مرفه انجام میگیرد؛ چون قشرهای ضعیف قادر نیستند که زیاد مصرف کنند. مصرفی که از سوی یک قشر انجام میگیرد، به زیان کشور است. یعنی هم زیان اقتصادی، هم زیان اجتماعی و هم زیان روانی و اخلاقی دارد. من مکرر عرض کرده‌ام، بازهم میگویم و خواهش میکنم که مصرف‌گرایی را رها کنند. مصرف باید به اندازه باشد، نه به حد اسراف و زیاده‌روی. این اندازه در هر زمانی متفاوت است.^۱

ورود به مسابقه‌ی تجملات از آفات زندگی مؤمنانه

یک آفت دیگر- که حالا به همین مقدار اکتفا کنم- ورود در مسابقه‌ی زرق و برق زندگی است؛ یک مسابقه‌ای است دیگر: دنبال زرق و برق زندگی دویدن، دنبال وسایل تجملاتی بیشتر، دنبال زندگی بهتر، دنبال درآمد بیشتر. دویدن یک مسابقه است، اهل دنیا در این مسابقه واردند؛ حالا بعضی‌ها زرنگ‌ترند در این مسابقه، میروند جلو تا میلیاردها بالا میکشند، بعضی‌ها به آن زرنگی نیستند. اما اهل دنیا در مسابقه‌اند، کسانی که دنیاپرستند. در این مسابقه وارد نشوید. نگوئید فلانی دارد، فلانی به دست آورده، من دستم خالی است، من هم باید داشته باشم؛ نه، این نه فقط از آفات بسیج، [که از] آفات هر مؤمن است. خیلی‌ها را ما دیدیم آدمهای خوبی بودند، آدمهای علاقه‌مندی بودند، وقتی افتادند توی دنیا و زرق و برق و مانند اینها، یواش یواش تیزی‌ها کُند شد، توانایی‌ها کم شد، انگیزه‌ها ضعیف شد. انگیزه که ضعیف شد، اراده‌ها هم ضعیف میشود. اراده که ضعیف شد، در عمل خودش را نشان میدهد. [از دست] رفتند. آفتها این است.^۲

۱. پیام نوروزی به مناسبت حلول سال (۱۳۷۱) ۱/۱/۱۳۷۱

۲. در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج در آستانه‌ی روز بسیج مستضعفین ۱۳۹۴/۹/۴

اهتمام زن به تجملات؛ مانع از انجام وظیفه

زن امروز دنیا الگو می‌خواهد. اگر الگوی او زینب و فاطمه‌ی زهرا باشند، کارش عبارت است از فهم درست، هوشیاری در درک موقعیتها و انتخاب بهترین کارها؛ ولو با فداکاری و ایستادن پای همه چیز برای انجام تکلیف بزرگی که خدا بر دوش انسانها گذاشته است، همراه باشد. زن مسلمانی که الگوش فاطمه‌ی زهرا یا زینب کبری (علیها السلام) باشد، این است.

اگر زن به فکر تجملات و خوش‌گذرانی‌ها و هوسهای زودگذر و تسلیم شدن به احساسات بی‌بنیاد و بی‌ریشه باشد، نمیتواند آن راه را برود؛ باید این وابستگی‌ها را که مثل تار عنکبوت بر پای یک انسان رهروست، از خود دور کند، تا بتواند آن راه را برود؛ کما اینکه زن ایرانی در دوران انقلاب و در دوران جنگ همین کار را کرد، و انتظار این است که در همه‌ی دوران انقلاب همین کار را بکند.^۱

تجمل‌طلبی؛ مانع ازدواج

عزیزان من! موانع فرهنگی ازدواج را دست کم نگیرید. ازدواج برای جوانان لازم است و جوانان هم آن را می‌خواهند. البته موانعی هم وجود دارد، ولی همه‌ی موانع، اقتصادی نیست. موانع اقتصادی بخشی از مشکل است. عمده، موانع فرهنگی است عادت‌ها، تفاخرها، تکاثرها، چشم‌وهم‌چشمی‌ها، تجمل‌طلبی‌ها اینهاست که یک مقدار نمیگذارد آن کاری که باید انجام گیرد، صورت پذیرد. باید شما و خانواده‌هایتان این گره‌ها را باز کنید. من از ازدواجهای دانشجویی که هر سال برگزار میشود، بسیار خشنود و خرسندم. اگر عادت کنند که ازدواجها را ساده، بی‌پیرایه و بی‌تشریفات انجام دهند، فکر میکنم که بسیاری از مشکلات حل خواهد شد. اساس

۱. در دیدار با جمع کثیری از پرستاران، به مناسبت میلاد حضرت زینب کبری (س) و روز پرستار

ازدواج در اسلام بر سادگی است. در اوایل انقلاب نیز همین طور بود؛ منتها متأسفانه این فرهنگِ تکاثر و تفاخر و سرمایه‌داری یک‌خرده کار را مشکل کرد. متأسفانه بعضی از مسئولان هم با ازدواجهای کزایی خانواده‌هایشان، مشکلاتی را درست کردند.^۱

د) راهکارهای مقابله با تجمل‌گرایی

ضرورت استفاده از همه‌ی ظرفیتهای برای مقابله با تجمل‌گرایی

سیاستهای کلی اصلاح الگوی مصرف:

... اصلاح فرهنگ مصرف فردی، اجتماعی و سازمانی، ترویج فرهنگ صرفه‌جویی و قناعت و مقابله با اسراف، تبذیر، تجمل‌گرایی و مصرف کالای خارجی با استفاده از ظرفیتهای فرهنگی، آموزشی و هنری و رسانه‌ها بویژه رسانه‌ی ملی...

۵- پیشگامی دولت، شرکتهای دولتی و نهادهای عمومی در رعایت الگوی مصرف

۶- مقابله با ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی و ابراز حساسیت عملی نسبت به محصولات و مظاهر فرهنگی مروج اسراف و تجمل‌گرایی.^۲

ضرورت اصلاح الگوی مصرف در جامعه

باید خودمان را اصلاح کنیم. باید الگوی مصرف جامعه و کشور اصلاح شود. ما الگوی مصرفمان غلط است. چه جوری بخوریم؟ چه بخوریم؟ چه بپوشیم؟ تلفن همراه توی جیبمان گذاشته‌ایم؛ بمجربد اینکه یک مدل بالاتر وارد بازار میشود، این را کأنه دور می‌اندازیم و آن مدل جدید را باید بخریم؛ چرا؟! این چه هوس‌بازی‌ای است که ما به آن دچار هستیم.^۳

۱. در دیدار دانشجویان و استادان دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۱۳۷۹/۱۲/۹

۲. تعیین و ابلاغ سیاستهای کلی اصلاح الگوی مصرف ۱۳۸۹/۴/۱۵

۳. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضا(ع) ۱۳۸۸/۱/۱

قراردادن ثروت در مسیر تولید، یعنی اصلاح الگوی مصرف

بسیاری از کسانی که سرمایه دارند، پول دارند، درآمدهای کلانی دارند، نمی‌دانند این درآمدها را چگونه باید صرف کنند. اینجا هم باز همان اصلاح الگوی مصرف خود را نشان می‌دهد. پول را به جای سرمایه‌گذاری تولیدی، صرف تجملات می‌کنند؛ سفرهای خارجی بیهوده، بی‌ثمر، پرخرج و احياناً فسادآور، بهانه برای تغییر وسایل خانه، وسایل زندگی؛ این چیزها یک حرکت مسرفانه است نسبت به ثروت. میشود پول را، درآمد را سرمایه‌گذاری کرد.^۱

جهت‌دهی درآمدهای کشور به سوی تولید؛ نه اسراف

ما پولهایی داریم در خارج از کشور؛ [مثلاً] نفت فروخته‌ایم، پولش را به ما نداده‌اند. در قضیه‌ی برجام بنا بر این شد که این پولها برگردد ... وقتی که این پولهای موجود ما در خارج که حالا هر چند ۱۰ میلیاردی که هست برگشت، در مصارفی به کار نرود که این پول هدر بشود. این پولی است که وارد کشور میشود، کشور نیاز دارد و در درجه‌ی اول مثلاً تولید است؛ مواظب باشند این پولی که وارد میشود، هدر نرود، از بین نرود، صرف خریدهای بی‌مورد، صرف کارهای بی‌جا، صرف اسرافها نشود؛ یعنی مدیریت منابع مالی‌ای که از بانکها و مراکز خارجی به کشور وارد میشود.^۲

صرفه‌جویی یعنی درست مصرف کردن

یک اقدام اساسی در زمینه‌ی همین پیشرفت و عدالت، آن مسئله‌ای است که من در پیام نوروزی خطاب به ملت عزیز ایران عرض کردم؛ و آن مسئله‌ی مبارزه‌ی با اسراف، حرکت در سمت اصلاح الگوی مصرف،

۱. در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۸۹/۱/۱

۲. در دیدار با زائران و مجاوران در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۵/۱/۱

جلوگیری از ولخرجی‌ها و تضييع اموال جامعه است؛ این بسیار مسئله‌ی مهمی است. البته بار اولی نیست که ما این مطلب را مطرح میکنیم. من در همین دیدار اوّل سال، در نوبتهای متعدّدی در همین جا خطاب به مردم عزیزمان درباره‌ی اسراف، درباره‌ی ولخرجی و تضييع اموال و لزوم صرفه‌جویی مطالبی را عرض کردم؛ اما این مسئله تمام نشده است؛ این مقصود، آن‌چنان که باید و شاید برآورده نشده است. لازم است به عنوان یک سیاست، ما مسئله‌ی صرفه‌جویی را در خطوط اساسی برنامه‌ریزی‌هایمان در سطوح مختلف اعمال کنیم. مردم عزیزمان توجّه داشته باشند که صرفه‌جویی به معنای مصرف نکردن نیست؛ صرفه‌جویی به معنای درست مصرف کردن، بجا مصرف کردن، ضایع نکردن مال، مصرف را کارآمد و ثمربخش کردن است. اسراف در اموال و در اقتصاد این است که انسان مال را مصرف کند، بدون اینکه این مصرف اثر و کارایی داشته باشد. مصرف بیهوده و مصرف هرز، در حقیقت هدر دادن مال است. جامعه‌ی ما باید این مطلب را به عنوان یک شعار همیشگی در مقابل داشته باشد؛ چون وضع جامعه‌ی ما از لحاظ مصرف، وضع خوبی نیست.^۱

نقش الگویی مسئولان در از بین بردن مصرف‌زدگی

من ۱۰ ویژگی را یادداشت کرده‌ام که به شما عرض میکنم که اینها ویژگی‌های این سیاستهای اقتصاد مقاومتی است که مطرح شده و در واقع مؤلفه‌های این مجموعه است:

...موضوع هشتم، مسئله‌ی اصلاح الگوی مصرف است؛ مسئله‌ی صرفه‌جویی، پرهیز از ریخت‌وپاش، پرهیز از اسراف، پرهیز از هزینه‌گردهای زائد. البته در این زمینه خطاب اوّل من متوجّه به مسئولان است؛ مسئولان نه فقط در زندگی‌های شخصی خودشان- که حالا آن یک مسئله‌ی درجه‌ی

۱. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضا(ع) ۱/۱/۱۳۸۸

دو است- [بلکه] در درجه‌ی اوّل و در حوزه‌ی مأموریت خودشان باید بجدّ از ریخت‌وپاش پرهیز کنند. اگر چنانچه این شد، یعنی ما مسئولین کشور به این اصل پایبند بودیم، آن وقت این روحیه، این خصلت، این اخلاق، سرریز خواهد شد به مردم. ما امروز در بین مردم و کسانی که دستشان به دهانشان میرسد هم اسراف زیاد میبینیم، در خیلی از موارد اسراف وجود دارد؛ خطاب هم می‌کنیم به مردم، لکن این از جمله‌ی جاهایی است که «کونوا دعاة الناس بغير السنکم»^۱. مجموعه‌ی مسئولین کشور بایستی در شئون مجموعه‌ی تحت مدیریت خودشان به این توجّه کنند: اسراف نباشد؛ الگوی مصرف، یک الگوی حقیقتاً عاقلانه، مدبرانه، اسلامی باشد. ما به مردم نمی‌گوییم که ریاضت بکشند؛ این جور گاهی بعضی القا میکنند. بعد از آنکه سیاستهای اقتصاد مقاومتی ابلاغ شد، هنوز مرکب آن خشک نشده، یک عده‌ای شروع کردند که «اینها دارند مردم را به ریاضت دعوت میکنند»؛ نه، به هیچ وجه این جور نیست، بلکه به عکس است؛ ما معتقدیم که اگر این سیاستها اعمال بشود، وضع مردم بهتر خواهد شد، طبقات ضعیف گشایش پیدا خواهند کرد. در کشوری که تورم در حدّ مطلوب باشد، اشتغال در حدّ مطلوب باشد، آنجا عموم مردم در راحتی و آسایش و رفاه زندگی خواهند کرد. ما به هیچ وجه به مردم نمی‌گوییم ریاضت [بکشند] ما می‌گوییم ریخت‌وپاش نباشد؛ مصرف کردن یک حرف است، بد مصرف کردن یک حرف دیگر است.

من چند سال قبل از این در سخنرانی اوّل سال، به تفصیل درباره‌ی این صحبت کردم.^۲ ما مسئولین باید این را وجهی همّت خودمان قرار بدهیم؛ اسراف در آب، اسراف در نان، اسراف در مواد غذایی، اسراف در دارو، اسراف در وسایل زندگی، اسراف در وسایل تجمل و آرایش و مانند اینها، بخش مهمّی از منابع زنده‌ی کشور را هدر می‌دهد؛ این هم یکی از چیزهایی

۱. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۰۹

۲. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۷۷/۱/۱

است که بایستی مورد ملاحظه قرار بگیرد؛ مصرف خوب و درست، غیر از اسراف کردن و دور ریختن و ریخت‌وپاش کردن است.^۱

ساده‌زیستی مسئولان؛ از عوامل ریشه‌کنی تجمل‌گرایی

ساده‌زیستی- بخصوص در خود آقای رئیس‌جمهور^۲- خوب و برجسته است و چیز باارزشی است؛ در مسئولین هم- کمابیش؛ یک جایی کمتر، یک جایی بیشتر- بحمدالله هست. ساده‌زیستی چیز بسیار باارزشی است. ما اگر بخواهیم تجمل و اشرافیگری و اسراف و زیاده‌روی را- که واقعاً بلای بزرگی است- از جامعه‌مان ریشه‌کن کنیم، با حرف و گفتن نمیشود؛ که از یک طرف بگوییم و از طرف دیگر مردم نگاه کنند و ببینند عمل‌مان جور دیگر است! باید عمل کنیم. عمل ما بایستی مؤید و دلیل و شاهد بر حرفهای ما باشد تا اینکه اثر بکند. این خوشبختانه هست. فاصله‌تان را با طبقات ضعیف کم کرده‌اید و کم نگه دارید و هرچه که ممکن است آن را کمتر کنید.^۳

وظیفه‌ی مسئولان؛ برخورد با اسراف در سطح ملی

مسئولان موظفند. اسراف فقط در زمینه‌ی فردی نیست؛ در سطح ملی هم اسراف میشود. همین برق و انرژی که گفتیم اسراف میشود، بخش مهمی از این اسراف در اختیار مردم نیست؛ در اختیار مسئولین کشور است. این شبکه‌های ارتباطاتی، شبکه‌های انتقال برق، سیمهای برق، اینها وقتی فرسوده بشود، برق هدر میرود. برق را تولید کنیم، بعد با این شبکه‌ی فرسوده آن را هدر بدهیم، که بخش مهمی هدر میرود. یا شبکه‌های انتقال

۱. در جلسه‌ی تبیین سیاستهای اقتصاد مقاومتی در حضور جمعی از مسئولان دستگاه‌های مختلف،

فقالتان اقتصادی و مدیران مراکز علمی و رسانه‌ای و نظارتی ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

۲. دکتر محمود احمدی‌نژاد

۳. در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۷/۶/۲

آب اگر فرسوده باشد، آب هدر می‌رود. اینها اسرافهای ملی است؛ در سطح ملی است؛ مسئولین آن، مسئولین کشورند. اسراف در سطح سازمان هم اتفاق می‌افتد. رؤسای سازمانهای گوناگون مصرف شخصی نمیکنند، اما مصرف بی‌رویه در مورد سازمان خودشان اتفاق می‌افتد؛ تجملات اداره، اتاق کار، تزئیناتش، سفرهای بیهوده، مبلمانهای گوناگون؛ باید با مراقبت و نظارت از این کارها جلوگیری کرد. هم در سطح دولت، هم در سطح آحاد مردم، هم در سطح سازمانها بایستی نگاه عیب‌جویانه‌ی به اسراف وجود داشته باشد.^۱

ضرورت برنامه‌ریزی برای مبارزه با اسراف

همان‌طور که عرض کردیم، با حرف هم تمام نمیشود؛ باید برنامه‌ریزی کنند. قوه‌ی مقننه و قوه‌ی مجریه موظفند به پیگیری. برنامه‌ریزی کنند، قانونگذاری کنند، قانون را با قاطعیت تمام اجرا کنند. این پیشرفتی که ما در این ده سال خواهیم داشت، بخش مهمی‌اش مربوط به همین قضیه است. این صرفه‌جویی‌ای که لازم است، از تولید تا مصرف تا بازیافت: آب را صرفه‌جویی کنیم؛ یعنی از سدهایمان صیانت کنیم، شبکه‌های آبرسانی را اصلاح کنیم، آبیاری‌های باصرفه‌ی در کشاورزی را آموزش بدهیم که چه جوری آبیاری بشود. البته این کارها خوشبختانه در این سالها به میزان زیادی انجام گرفته، اما این کافی نیست؛ باید توسعه پیدا کند. زمینه‌سازی کنیم برای کاهش مصرف آب خانگی. اینکه گفته میشود از کسانی که مصرف زیاد دارند، مالیات بیشتری گرفته شود، یارانه‌ی کمتری به آنها داده شود، حرف بسیار معقولی است، حرف خوبی است. آن کسانی که مصرف کمی دارند، از کمکهای دولتی، از کمکهای عمومی بهره‌مند شوند. بعضی‌ها هستند به قدری کم آب مصرف میکنند که اگر دولت از آنها پول آب را

۱. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضا(ع) ۱۳۸۸/۱/۱

هم نگیرد، مانعی ندارد. بعضی‌ها ۱۰ برابر آنها، ۲۰ برابر آنها آب مصرف میکنند؛ خوب، اینها بایستی هزینه‌ی بیشتری بدهند.
در امر نان، تولید گندم خوب، تولید آرد خوب، نگهداری درست، پخت خوب، بعد هم مصرف درست؛ همه‌ی اینها لازم است. این مسئله‌ی اسراف و صرفه‌جویی بود، که لازم بود من عرض کنم.^۱

جهت‌دهی فعالیت‌های اجرایی و تبلیغی برای جلوگیری از اسراف

آنچه سیاست‌های حاکم بر برنامه‌های دوّم را تشکیل میدهد ... به ترتیب زیر است: ...

۶. جهت دادن کلیه‌ی فعالیت‌های اجرایی و تبلیغی به سمت رشد معنویّت و فضیلت اخلاقی در جامعه، تعمیق و گسترش حسّاسیّت‌ها و باور دینی ... و قناعت و جلوگیری از اسراف و مصرف‌گرایی و پرداختن به زوائد.^۲

مراقبت دائمی مسئولان از نفوذ تجمل در دستگاه‌های تحت مدیریت

دائم باید نگاه کنیم، مراقبت بکنیم. واقعاً فساد مثل موریانه است؛ نگذارید که فساد و رشوه و پارتی‌بازی و اسراف و تجمل و خرج‌های زیادی و مانند اینها، در دستگاهتان نفوذ بکند. بخشی از این علّاجی که در زمینه‌ی مسائل اقتصادی آقای دکتر روحانی اشاره کردند، در همین صرفه‌جویی‌ها و مبارزه‌ی با فسادها تأمین‌شدنی است؛ گاهی اوقات یک خرج‌های زیاد، بیخود، بیجا- حالا آنجایی که غیر حرام است، اما زائد است؛ شاید زائد هم به یک معنا حرام باشد، اما بالاخره با آن صراحت حرام نیست، اما خرج زائدی است- جلوی‌ش باید گرفته بشود. و میتوان؛ از این طریق میتوان کارهای بزرگ و زیادی کرد.^۳

۱. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضا(ع) ۱/۱/۱۳۸۸
۲. نامه به حجت‌الاسلام والمسلمین آقای هاشمی رفسنجانی جهت تعیین چارچوب سیاست‌های نظام در برنامه‌ی دوّم ۱۳۷۲/۸/۱۸
۳. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت در پنجمین روز از هفته‌ی دولت ۱۳۹۲/۶/۶

لزوم جهت‌دهی مدگرایی غیر افراطی

تقلید فرهنگی خطر خیلی بزرگی است، اما این حرف اشتباه نشود؛ با اینکه بنده با مُد و تنوع و تحوّل در روشهای زندگی مخالفم؛ نخیر، مُدگرایی و نوگرایی اگر افراطی نباشد، اگر روی چشم و هم‌چشمی رقابتهای کودکانه نباشد، عیبی ندارد. لباس و رفتار و آرایش تغییر پیدا میکند، مانعی هم ندارد؛ اما مواظب باشید قبله‌نمای این مُدگرایی به سمت اروپا نباشد؛ این بد است. اگر مدیستهای اروپا و امریکا در مجلاتی که مُدها را مطرح میکنند، فلان طور لباس را برای مردان یا زنان خودشان ترسیم کردند، آیا ما باید اینجا در همدان یا تهران یا در مشهد آن را تقلید کنیم؟ این بد است. خودتان طراحی کنید و خودتان بسازید.^۱

لزوم بازگرداندن اسرافهای در زندگی شخصی به سمت تولید

در مصارف گوناگون شخصی و خانوادگی، اسراف فردی صورت میگیرد. تجمل‌گرایی‌ها، چشم‌وهم‌چشمی‌ها، هوسرانی افراد خانواده، مرد خانواده، زن خانواده، جوان خانواده، چیزهای غیرلازم خریدن؛ اینها از موارد اسراف است. وسایل تجملات، وسایل آرایش، مبلمان خانه، تزئینات داخل خانه؛ اینها چیزهایی است که ما برای آنها پول صرف میکنیم. پولی که میتواند در تولید مصرف شود، سرمایه‌گذاری شود، کشور را پیش ببرد، به فقرا کمک کند، ثروت عمومی کشور را زیاد کند، این را ما صرف میکنیم به این چیزهای ناشی‌شده‌ی از هوس، چشم‌وهم‌چشمی، آبروداری‌های خیالی. مسافرت میروند، می‌آیند، میهمانی درست میکنند. گاهی خرج آن میهمانی، از مسافرت مکّه‌ای که رفته‌اند، بیشتر است!- عروسی میگیرند، عزا میگیرند؛ هزینه‌ای که برای این میهمانی‌ها مصرف میکنند، هزینه‌های گزافی است؛ انواع غذاها! چرا؟ چه خبر است؟ در کشور ما هنوز هستند کسانی که از اولیات هم محرومند. باید کمک کنیم کشور پیش برود. نمیگوییم پول

۱. در دیدار جوانان، استادان، معلمان و دانشجویان دانشگاه‌های استان همدان ۱۳۸۳/۴/۱۷

را بردارید بروید حتماً انفاق کنید۔ البتّه اگر انسان انفاق بکند، بهترین کار است۔ اما حتّی اگر انفاق هم نکنند، همین پولی که صرف این تجملات میشود، در تولید برای خودشان به کار بیندازند، در کارخانجات سهیم شوند و تولید کنند، باز برای کشور مفید است. ما به جای این کارها میهمانی درست میکنیم، عزا درست میکنیم، هی رخت و بر روز به روز دگرگون برای خودمان درست میکنیم؛ چرا؟ چه لزومی دارد؟ عقلای عالم این کار را نمیکند؛ این فقط سخن دین نیست. قرآن میفرماید: «ولاتسرفوا اِنَّه لایحبّ المسرفین»^۱، «کلووا واشربوا و لاتسرفوا»^۲؛ بخورید، بیاشامید، اما زیاده روی نکنید. در آیهی شریفهی دیگر: «کلوامن ثمره اذا اثمر و اتوا حقه يوم حصاده و لاتسرفوا اِنَّه لایحبّ المسرفین»^۳. خداوند اسرافکنندگان را دوست نمیدارد. ما بندگان خدا هستیم. اینها حرف دین است و روایات فراوانی در این زمینه وجود دارد. در روایت دارد که کسی میوه‌ای را خورد و نیمی از میوه ماند، آن را دور انداخت. امام (علیه‌السلام) به او نهیب زد که اسراف کردی؛ چرا انداختی؟ در روایات ما هست که از دانه‌ی خرما استفاده کنید. تا این حد! خرده‌های نان را استفاده کنید. آن وقت در هتلها میهمانی درست کنند و به یک عده‌ای میهمانی بدهند؛ بعد هر چه که غذا ماند، به بهانه‌ی اینکه بهداشتی نیست، توی سطل آشغال بریزند! این مناسب یک جامعه‌ی اسلامی است؟ این جوری میشود به عدالت رسید؟^۴

روی آوردن به انفاق؛ علاج تجمل‌گرایی

این جانب از اینکه کسانی میکوشند تا در میان مردم ما رسم تجمل‌گرایی و اسراف و ولخرجی را شایع کنند، شدیداً نگران و متأسفم؛ و از اینکه

۱. سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۳۱

۲. همان

۳. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۱۴۱

۴. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضا(ع) ۱/۱/۱۳۸۸

مردم فداکار و انقلابی ایران در امور شخصی به مصرف‌گرایی سوق داده شوند و قناعت انقلابی را از یاد ببرند، به خدا پناه میبرم. آنان که تجملات و زبیدی‌های غیر ضرور و ولخرج‌مآبانه را از روی بی‌دردی ناشی از وسعت و توانایی مالی انجام میدهند، به خود آیند و به انفاق روی آورند؛ و آنان که با سختی و تنگدستی، بر خود چنین چیزی را تحمیل میکنند، از این امر خسارت بار دست بکشند. برای متمکنین، میانه‌روی؛ و برای قشرهای متوسط، قناعت در امور شخصی؛ و برای همه، تلاش و کار و تولید و رونق دادن به وضع عمومی، فریضه‌ای انقلابی و رسمی اسلامی است.^۱

انفاق؛ راهکاری در برابر جمع ثروت و تجمل‌گرایی

جمع ثروت و عدم انفاق از نظر اسلام یک ضد ارزش و یک گناه و شاید یک گناه کبیره است. اینجور نیست که چون کار با سرمایه جایز و مباح هست، پس بنابراین انسان حق دارد- ولو از طرق مشروع و حلال- ثروتی را جمع کند و آن را نگه دارد، درحالی‌که جامعه به ثروت او و به امکانات او و به دارایی او احتیاج دارد، آن را در راه مصالح عمومی و در راه خدا خرج نکند؛ این جایز باشد و مباح باشد، چنین چیزی نیست. در اسلام انفاق یک اصل است؛ باید در راه خدا خرج کرد. نمی‌گویند معامله نکنید و تحصیل مال نکنید، بکنید، اما خرج کنید. اسلام مردم را عادت میدهد که آنچه را که به دست آورده‌اند، بقدر نیاز زندگی- نیاز متوسط، نه حالا با عسرت و فشار، نیاز معمولی و متوسط، ولو توأم با مقداری رفاه و آسایش و گشایش در روزی- برای خودش صرف کند و خرج کند، مادای او و آنچه زیاد می‌آید، باید در راه مصالح عمومی جامعه خرج بشود. اگر کسی ثروت را درآورد و آن را با اسراف، با خرجهای بیخودی، با زیاده‌روی‌های گوناگون، با تجمل، با اشرافیگری، با خوراک مسرفانه، با پوشاک مسرفانه،

۱. پیام به گردهمایی سراسری فرماندهان بسیج، به مناسبت سالروز انتشار پیام رهبر فقید انقلاب برای تشکیل بسیج مستضعفان و گرامیداشت هفته‌ی بسیج ۱۳۶۸/۹/۲

با مرکب یا منزل مسرفانه، همه‌ی آن را خرج کرد یا آن را نگه داشت و جمع ثروت کرد، این از نظر اسلام مذموم و منفور است؛ عدم انفاق منفور و مذموم است و اگر با جمع ثروت همراه باشد، حرام است.^۱

وظیفه‌ی دانشجویان در پژوهش درباره‌ی راهکارهای مبارزه با مصرف‌گرایی

درباره‌ی مشکلات اجتماعی‌ای که در کشور وجود دارد، تحقیق کنیم و راه ریشه کردن اینها را پیدا کنیم و به دنبال این برویم که راه مبارزه با اسراف چیست. اسراف یک بیماری اجتماعی است. راه مبارزه با مصرف‌گرایی چیست؟ راه مبارزه با ترجیح کالای خارجی بر کالای ساخت داخل چیست؟ اینها تحقیق می‌خواهد. در دانشگاه‌ها پروژه‌های تحقیقی بگیرید، استاد و دانشجو کار کنید، نتیجه‌ی تحقیق را به مسئولان کشور بدهید؛ به رسانه‌ها بدهید تا سرریز شود و فرهنگ‌سازی شود. این، میشود پیشرفت.^۲

درمان اسراف و مصرف‌گرایی؛ راه مبارزه با تهدیدهای اقتصادی

امروز دشمن چشمش به نقطه‌ی حسّاس اقتصادی است تا بلکه بتواند این کشور را از لحاظ اقتصادی دچار اختلال کند. هرچه میتوانند اختلال ایجاد کنند و هرچه هم نمیتوانند، در تبلیغاتشان وانمود کنند که اختلال هست! این کاری است که امروز در تبلیغات دشمنان ما، با قدرت و به شکلهای مختلف انجام میگیرد. راه مقابله هم انضباط مالی و صرفه‌جویی و نگاه پرهیزگرانه‌ی به مصرف‌گرایی است. من این را میخواهم به مردم عزیزمان تأکید کنم: مصرف‌گرایی به صورت اسراف، یکی از بیماری‌های

۱. در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۶۶/۸/۱۵

۲. در دیدار استادان و دانشجویان دانشگاه‌های استان سمنان ۱۳۸۵/۸/۱۸

خطرناک هر ملّتی است. ما یک‌خرده به این مصرف‌گرایی افراطی دچار هستیم. یکی از نمونه‌هایش را به مناسبت مشکل کم‌آبی - که چند استان کشور از جمله استان شما تا کنون مشکل کم‌آبی داشته‌اند که امیدواریم خدای متعال تفضّل کند و باران رحمتش را بر شما نازل بکند - عرض بکنم؛ یکی از موارد اسراف، اسراف در آب است؛ نه فقط آبی که مصرف شُرب در خانه‌ها میشود، نوع آبیاری کشاورزی ما هم یک نوع مسرفانه است و آب را هدر می‌دهیم. وظیفه‌ی مسئولین و دست‌اندرکاران این بخش است که به این مسئله بطور ویژه توجّه کنند! پس به مسئله‌ی اسراف - هم در مسئله‌ی آب و هم در مسائل دیگر - باید با اهمّیت نگاه کنند.^۱

لزوم پرهیز از غبطه خوردن به تجملات دیگران

«ولاتغبط احدًا بکثرة المال»^۲. به کسانی که مال زیاد دارند غبطه نخور. این از آن دردهای مبتلابه ماست که کم‌وبیش در زندگی بعضی افراد ضعیف النفوس جریان دارد و آنها به خاطر خانه‌های عالی و تجملات فراوان و مراکب زیاد غبطه می‌خورند! «فإنّ مع کثرة المال تکثر الذنوب کواجب الحقوق»^۳. مال که زیاد شد، حقوق هم زیاد میشود و به همین خاطر گناهان هم زیاد میشوند. معلوم میشود که وقتی حقوق زیاد شد، انسان نمیتواند آن را ادا کند، و الاّ اگر میتواند ادا کند، گناهی در کار نبود. این در صورتی است که مال از حلال کسب شده باشد. اگر از حرام بود، شکل بدتری خواهد داشت. البتّه یک احتمال هم وجود دارد و آن این است که اشاره‌ی حدیث به کثرت مال از طریق حرام باشد؛ یعنی انسان وقتی که مالی کسب میکند که از طریق حلال نیست، حقوق زیادی را باید پایمال کرده باشد تا مال زیادی به دست آورد.^۴

۱. در دیدار با مردم شیراز ۱۳۸۷/۲/۱۱

۲. کافی (ط - الإسلامیه)، ج ۲، ص ۱۳۵

۳. همان

۴. در آغاز درس خارج فقه ۱۳۷۴/۶/۱۴

ضرورت مراقبت از بنیه‌ی معنوی در برابر تجملات دنیا

من می‌خواهم به شما جوانان عزیز، به شما پاسداران عزیز، به شما سازمان باعظمت و پرشکوه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به شما بسیجی‌ها، به شما ارتشی‌های مؤمن و دلسوز و ساخته و پرداخته‌ی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی، به شما جوانان قشرهای مختلف این کشور و به خانواده‌های گوناگون، از متوسطها، پایین‌تر از متوسطها و بالاتر از متوسطها، عرض کنم که عزیزان من! بارِ سنگینِ حفظِ این امانتِ الهی که امانت پیغمبران است، بر دوش شماست. جمهوری اسلامی، امانتِ تاریخیِ انبیای عظام الهی است. آرزوی موسی و عیسی و آرزوی همه‌ی اولیا و ائمه‌ی بزرگوار ماست که امروز تحقق پیدا کرده است؛ ولو ناقص (کاملش هم، ان شاء الله، در دوران حکومت کبری و ولایت عظمای حضرت بقیه‌الله فی الارضین (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) ظاهر و آشکار خواهد شد). این، بارِ خیلی سنگین و محموله‌ی پرارزشی است. این را شما باید حفظ کنید و این میسر نیست مگر با حفظ نفس. متاع دنیا، لذت خیر، پول، ثروت و تجمل دنیا. آن هم در حدودی که امثال من و شما ممکن است در زندگی خود داشته باشیم. خیلی کمتر و بی‌ارزش‌تر و حقیرتر از آن است که انسان به خاطر آنها بنیه‌ی معنوی خود را ضعیف کند و حمل این بار را به خطر بیندازد. مراقب باشید و دشمن را ناکام کنید.^۱

ضرورت پرهیز صداوسیما از سوق دادن مردم به مصرف‌گرایی

در مقوله‌ی عدالت اجتماعی فیلمها و سریالهایی ساخته میشود که غالباً خانه‌های مورد استفاده‌ی شخصیت‌های این فیلمها اعیانی و اشرافی است! واقعاً وضع زندگی مردم ما این طوری است؟ آیا یک زوج جوان یا یک زن و شوهر در چنین خانه‌هایی زندگی میکنند؟! این کار چه لزومی

۱. در دیدار فرماندهان و اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به مناسبت روز پاسدار ۱۵/۱۰/۱۳۷۳

دارد؟ سالها قبل بعضی از سریال‌هایی که از سیما پخش میشد، هرچند کیفیت آنها مثل سریال‌های الان نبود- عقب‌تر بود- لیکن فضای زندگی در آنها، متواضعانه و در یک خانه‌ی معمولی بود؛ آن‌طوری خوب است. زندگی را لزوماً نباید اعیانی و اشرافی و متجملانه معرفی کرد. فضای تبلیغی صداوسیما این‌طوری باشد. البته گاهی در این خصوص هم به ما تذکر می‌دهند و مطالبی می‌گویند. تبلیغات رسانه‌ای و گاهی تبلیغ‌های خیلی پُررنگ که مردم را به طرف مصرف‌گرایی سوق می‌دهد، با برنامه‌ای که فرضاً شما ساخته‌اید تا مصرف‌گرایی را تقبیح کنید، عملاً در تناقض است؛ باهم هماهنگ نیست.^۱

مقابله‌ی فاطمه‌ی زهرا(سلام‌الله‌علیها) با ورود تجملات به زندگی

زندگی فاطمه‌ی زهرا(سلام‌الله‌علیها) از همه‌ی ابعاد، زندگی‌ای همراه با کار و تلاش و تکامل و تعالی روحی یک انسان است. شوهر جوان او دائماً در جبهه و میدانهای جنگ است؛ اما در عین مشکلات محیط و زندگی، فاطمه‌ی زهرا(سلام‌الله‌علیها)، مثل کانونی برای مراجعات مردم و مسلمانان است. او دختر کارگشای پیغمبر است و در این شرایط، زندگی را با کمال سرافرازی به پیش می‌برد: فرزندان‌ی تربیت می‌کند مثل حسن و حسین و زینب؛ شوهری را نگهداری می‌کند مثل علی و رضایت‌پدري را جلب می‌کند مثل پیغمبر! راه فتوحات و غنائیم که باز میشود، دختر پیغمبر ذره‌ای از لذت‌های دنیا و تشریفات و تجملات و چیزهایی را که دل دختران جوان و زنها متوجه آنهاست، به خود راه نمی‌دهد.^۲

ضرورت الگو بودن همسران مسئولان در پرهیز از اسراف

من به خانمهای مسلمان، به خانمهای جوان و به خانمهای خانه‌دار

۱. در دیدار رئیس و مدیران سازمان صداوسیما ۱۳۸۳/۹/۱۱

۲. در دیدار گروهی از زنان، به مناسبت میلاد حضرت زهرا(س) و روز زن ۱۳۷۱/۹/۲۵

عرض میکنم: سراغ این مصرف‌گرایی که غرب مثل خوره به جان جوامع دنیا و از جمله جوامع کشورهای در حال توسعه و کشورهای رو به پیشرفت و از جمله کشور ما انداخته است، نروید. مصرف باید در حد لازم باشد، نه در حد اسراف. خانمهای کسانی که همسرانشان یا خودشان مسئولیتهایی در بخشهای مختلف کشور دارند، باید از لحاظ دوری از اسراف، نسبت به دیگران الگو باشند. باید برای دیگران درس باشند و نشان دهند که شأن زن مسلمان بالاتر از این حرفهاست که اسیر زروزیور و جواهرآلات و از این قبیل شود. نمیخواهیم بگوییم اینها حرام است؛ میخواهیم بگوییم شأن زن مسلمان بالاتر از این است که در دورانی که بسیاری از مردم جامعه‌ی ما محتاج کمکند، کسانی بروند پول بدهند طلا بخرند، زینت‌آلات بخرند، وسایل زندگی رنگارنگ بخرند و در انواع و اقسام روشها و منسهای زندگی، اسراف کنند. اسراف، الگوی زن مسلمان نیست.^۱

معرفت زن؛ عامل دوری خانواده از تجمل

امروز متدین‌ترین، انقلابی‌ترین، پاک‌ترین و باایمان‌ترین دختران و زنان جوان ما، در میان قشرهای تحصیلکرده هستند. کسانی که اهل تجمل و چسبیدن به زروزیورآلات هستند و یا کورکورانه و چشم‌پسته می‌خواهند از الگوهای غربی در لباس و پوشاک و وضع زندگی تقلید کنند، غالباً از سواد و معلومات و معرفت کافی بهره ندارند. کسی که معلومات داشته باشد، میتواند رفتار خود را کنترل کند و آن را با هرچه حق و حقیقت و خوب است، تطبیق دهد. بنابراین، در میدان علمی، همه‌ی راه‌های فعالیت باید برای زنان باز باشد. دختران، حتی در روستاها هم درس بخوانند. توصیه‌ی من به پدران و مادران این است که بگذارند دختر بچه‌هایشان به مدرسه

۱. در دیدار گروهی از زنان، به مناسبت میلاد حضرت زهرا(س) و «روز زن» ۱۳۷۱/۹/۲۵

بروند و سواد بیاموزند. اگر آنها استعداد دارند و مایلند پس از طی مراحل ابتدایی به تحصیلات عالیّه و دانشگاهی بپردازند، ممانعت نکنید. بگذارید در جامعه‌ی اسلامی ما آنها جزو انسانهای باسواد و دارای معلومات شوند.^۱

بریدن دامهای مصرف‌زدگی

بانوان در نظام جمهوری اسلامی باید قدر عظمتی را که اسلام به آنان داده است، بدانند. دام مصرف‌زدگی را که سرمایه‌داران چپاولگر جهانی بر گرد زن امروز دنیا تنیده‌اند، کاملاً بدرند و ضد ارزشهای فرهنگ غربی، مانند برهنگی و معاشرت بی‌بندوبار با مردان و آلودگی به انواع فسادها را که در کشورهای پیشرفته و غالب کشورهای عقب‌افتاده بر زندگی زنان حاکم است، به چشم تحقیر و نفرت بنگرند.^۲

مراقبت بانوان اندیشمند از رواج تجمل‌گرایی

باید زنان اندیشمند و آگاه ایران اسلامی، راه روشن خود را ادامه دهند و گامها را متین و محکم بردارند. مبدا چنان‌که در افراد سطحی و غافل دیده شده است، نسل انقلابی و زنان مؤمن، دوباره روی به مصرف و تجملهای پوچ و گرایشهای غیر انقلابی بیاورند یا رسم جاهلی اختلاط بی‌پروا را دوباره زنده کنند.^۳

ضرورت دور نگه داشتن عرصه‌ی ازدواج از تجمل و تفاخر

بنابراین، نقش مادیات در اینجا باید خیلی ضعیف باشد. ما که می‌گوییم مهریه‌ها را سنگین نکنند، از این بابت است. اگر ما گفته‌ایم که مهریه بیش از فلان مقدار نباشد، معنایش این نیست که اگر بیش از فلان مقدار بود،

۱. در جمع خواهران ارومیه ۱۳۷۵/۶/۲۸

۲. پیام به ملت شریف ایران، در پایان چهلمین روز ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۶۸/۴/۲۳

۳. پیام به سمینار بررسی شخصیت زن از دیدگاه امام خمینی(ره) ۱۳۶۸/۸/۳

عقد باطل یا حرام است؛ نه، جایز هم هست، اما کار غلط است. بعضی‌ها چند میلیون تومان مهریه میگذارند؛ یعنی ازدواج را که یک امر انسانی است، به یک دادوستد و به یک کار بازاری و معامله‌گری تبدیل میکنند. این، تحقیر و توهین به نقش و شأن انسانیّت در ازدواج است. این، کار غلطی است.

بعضی‌ها هم ازدواج را که یک امر عاطفی و انسانی و وجدانی است، به صحنه‌ی تفاخر تبدیل میکنند. مثلاً میگویند که جهیزیّه‌ی ما این چیزها را داشت؛ آیا جهیزیّه‌ی دختر شما هم اینها را دارد؟! تفاخر و تنافس! یا مثلاً میگویند که ما عقدمان را در فلان سالن گرفتیم. البته حالا که متأسفانه مرسوم شده است در هتلها میگیرند؛ که کار بسیار بدی است. حتی گاهی شنیده یا دیده میشود، بعضی افرادی هم که از آنها توقع نیست، برای تفاخر به همدیگر، مراسم عقد خود را در هتلها و سالنها میگیرند! نه، مراسم عقد را در اتاق خانه و حیاط منزل خودتان و یا همسایه‌تان بگیرید و مردم را دعوت کنید؛ همین‌طور که همیشه بوده است. این‌گونه محیطها، یک محیط انس خانوادگی است. عده‌ای دوست، عده‌ای قوم و خویش، عده‌ای هم‌ردیفهای دختر یا پسر، دوستان مدرسه، دوستان پسر در محیط کار یا مدرسه، جمع میشوند و شادی و خوشی میکنند؛ این درست است.

اینکه ما اینجا را صحنه‌ی تفاخر قرار بدهیم، غلط اندر غلط است. هم محیط ازدواج را آلوده‌ی به مادیات میکند، هم این صحنه‌ی پاک و لطیف و وجدانی را صحنه‌ی تفاخرها و تنافسها و زیاده‌روی‌ها میکند، بعد هم این دختر و پسر از اوّل عادت میکنند که بایستی زندگی آنان بر تجمل و تشریفات بگذرد؛ چرا؟ بگذارید از اوّل به یک زندگی متوسط عادت کنند.^۱

رفتار غلط اندر غلط ورود تجملات به عرصه‌ی ازدواج

تجملات برای یک جامعه، مضر و بد است. آن کسانی که با تجملات

۱. در مراسم اجرای خطبه‌ی عقد ازدواج ۱۳۷۰/۴/۲۰

مخالفت میکنند، معنایش این نیست که از لذتها و خوشی‌های بی‌اطلاعت؛ نه، کار مضرى برای جامعه است؛ مثل یک دارو یا یک خوراکی مضر. با تجملات زیادی، جامعه زیان میکند. البته در حد معقول و متداول ایرادی ندارد؛ اما وقتی که همین‌طور مرتب پای رقابت و مسابقه به میان آمد، اصلاً از حد خودش تجاوز میکند و به جاهای دیگری می‌رود؛ و این برای جامعه مضر است. حالا چنانچه ما آن کار مضر را در عرصه‌ی ازدواج بیاوریم و بخواهیم از آن استفاده کنیم، این دیگر غلط اندر غلط خواهد شد؛ بسیار بد است.

این میهمانی‌های پُرسروصدا و هتل‌گرفتنها و خرجهای زیاد، کار آن طاغوتی‌ها بود. اخیراً در روزنامه هم موردی را نوشته بودند، که چقدر خوب کردند که نوشتند؛ تا مردم بفهمند که این کارها زشت است. ماها همیشه در خانه‌های خودمان یک اتاق، دو اتاق عقد و عروسی می‌گرفتیم. اگر هم نداشتیم، از همسایه قرض می‌گرفتیم. مقداری شیرینی و میوه چیده میشد؛ می‌گفتیم، می‌خندیدیم، شوخی می‌کردیم؛ خیلی هم خوش می‌گذشت. البته آن طاغوتها و آدمهای بدی که بحمدالله ازاله شدند، این‌طور برگزار نمی‌کردند. آنها به این وضع قانع نبودند؛ در آن هتلهای می‌رفتند و میهمانی‌های پُرخرج و چنین و چنان برپا می‌کردند.

حالا ما که بر سر کار آمده‌ایم، نباید کار آنها را تکرار بکنیم. اگر تکرار بکنیم، ما هم مثل آنها می‌شویم؛ آن بد بود. نه اینکه وقتی آدم نمیتواند کار پُرخرجی بکند، نکند؛ ولی وقتی که توانست، برود بکند! پس چی شد؟! آن منطق صحیح، این را ایجاب نمی‌کند. باید بنا را بر سادگی گذاشت. جهیزیه‌ها را ساده بگیرد. اگر جهیزیه نیازهای دختر را تأمین میکند، خوب است؛ اما به سمت تجملات نرود.^۱

۱. در مراسم اجرای خطبه‌ی عقد ازدواج ۱۳۷۰/۴/۲۰

ناسازگاری مهریه‌های سنگین با ادعای پیروی از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)
 مگر نمی‌گوییم که جهیزیه‌ی آن بزرگوار چیزهایی بود که انسان با شنیدن آنها اشکش جاری می‌شود؟ مگر نمی‌گوییم که این زن والامقام، برای دنیا و زیور دنیا هیچ ارزشی قائل نبود؟ مگر می‌شود که روز به روز تشریفات و تجمل‌گرایی و زروزیور و چیزهای پوچ زندگی را بیشتر کنیم و مهریه‌ی دخترانمان را زیادتر نماییم؟!

اوایل که گاهی بعضی‌ها مهریه‌ی عقد را یک‌خرده گران قرار میدادند، ما شوخی می‌کردیم و می‌گفتیم شما که می‌خواهید مثلاً فلان قدر سکه قرار بدهید، پس یکباره بگویید ۷۲ سکه! اما حالا می‌بینیم که تعیین مهریه‌های گرانبه‌تر، واقعی شده است! واقعاً چه خبر است؟ شما که پدر آن دختر هستید، آیا می‌توانید ادعا کنید که پیرو پدر فاطمه (سلام‌الله‌علیها) هستید؟ این‌طوری نمی‌شود؛ ما باید به حال خودمان فکری بکنیم. حالا چرا این حرفها را به شما گفتم؟^۱



۱. در دیدار با مداحان اهل بیت (ع)، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) ۱۳۷۰/۱۰/۵